

## بررسی و تحلیل تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس با تمرکز بر بررسی سطح فکری و اعتقادی خاطرات آزادگان

محمدرضا ایروانی<sup>۱\*</sup>

### چکیده

خاطره فرآیندی فعال و پویاست. تاریخ شفاهی رویدادی است که روایت خاطره‌ای به واسطه ارتباط شکل گرفته بین مصاحبه‌گر با راوی، در بستر واقعی زمان و در واکنش به مجموعه‌ای از ارجاعات بیرونی به وجود می‌آید. خاطرات از منابع اصلی در تاریخ شفاهی هستند. با تحلیل داده‌های تاریخی مندرج در خاطرات، وقایع و حقایق زیادی راجع به دوران اسارت رزمندگان و سربازان ایرانی در بند رژیم بعث آشکار می‌گردد که در نگارش تاریخ شفاهی دفاع مقدس مؤثر است. این پژوهش نشان می‌دهد خاطرات منتشرشده رزمندگان و کنشگران دوره دفاع مقدس به‌ویژه خاطرات آزادگان یکی از منابع مهم برای نگارش تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس است که بسیاری از زوایا و جنبه‌های ناگفته جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را آشکار می‌سازد؛ البته خاطرات بررسی شده از نظر نوع نگارش و فراگیری حقایق تاریخی یکدست نیستند؛ به‌گونه‌ای که برخی ارزش اطلاعاتی و تاریخی بالایی دارد و برخی دیگر به علت کلی‌گویی و ... ارزش تاریخی کمتری دارند. اغلب خاطرات، آثاری برون‌گرا هستند، ولی در بخش‌هایی که بیشتر مربوط به دوران حبس در سلول انفرادی است، حالت درون‌گرایانه می‌گیرند. خاطرات آزادگان درواقع نوعی مستندسازی علم و تجربیات آزادگان جنگ تحمیلی به حساب می‌آید که گاه می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های کلان نیروهای مسلح (ستاد کل نیروهای مسلح) استفاده شود. این تحقیق از نوع بنیادی و بر اساس روش تحلیل محتوا انجام شده است.

**واژگان کلیدی:** آزادگان (اسرا)، خاطره نگاری، جنگ تحمیلی (دفاع مقدس)، تاریخ شفاهی

---

۱. (\*نویسنده مسئول): استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

ایمیل: irvani1980@yahoo.com

## مقدمه

«تاریخ شفاهی»، یکی از شاخه‌های علم تاریخ است که اخیراً به آن توجه بیشتری می‌شود و در اغلب دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در شمار یکی از رویه‌های عملی و روش‌های پژوهش در حوزه مسائل تاریخی محسوب می‌شود. «تاریخ شفاهی به ضبط گفتار دسته‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌شود که پیام، گزارش یا خاطره قابل توجهی برای گفتن دارند. تحلیل خاطرات گذشته این مردم نیز در مسیر همین عمل معنا می‌یابد.» (آبرامز، ۱۳۹۷: ۲۱). تاریخ شفاهی به کاوش، تشریح و شناسایی وقایع، رویدادها و حوادث تاریخی بر اساس دیدگاه‌ها، دیده‌ها و شنیده‌ها و عملکرد شاهدان، ناظران و برنامه‌ریزان آن رویدادها می‌پردازد. تعاریف مختلفی در مورد تاریخ شفاهی بیان شده است:

- وسیله‌ای برای انتقال محتوا و هدف تاریخ از طریق کسانی که در گذشته آن را تجربه کرده‌اند؛
- «درک صحیح از گذشته و تشویق برای تأثیرگذاری بر آینده از طریق برگرداندن لحظات حساس» (حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۳۷۱)
- «به طور خلاصه می‌توان گفت که تاریخ شفاهی درواقع گفت‌وگویی قاعده‌مند و آگاهانه بین دو نفر درباره ابعادی از وقایع گذشته است که از نظر هر دوی آن‌ها دارای اهمیت تاریخی است و برای تبدیل شدن به سند و ماندگاری آن ضبط و ثبت می‌شود.» (لیندا شوپس، مترجم: علی فتحعلی آشتیانی)

در نظر داشته باشیم که برخلاف تصور برخی از افراد، تاریخ شفاهی رویکردی علمی و قاعده‌مند است که در تحقیق و پژوهش جایگاه خاصی دارد و در حال حاضر مورد توجه عوام و حتی خواص جامعه قرار گرفته است. در گذشته موضوع تاریخ مرتبط به حاکمان بود و اسناد نیز منطبق بر خواست صاحبان قدرت و توسط عده‌ای خاص شکل می‌گرفت. اما تاریخ شفاهی به نکاتی اشاره می‌کند که ممکن است در اسناد نیامده باشد. در شکل‌گیری تاریخ شفاهی همه مردم سهم دارند. اصطلاح تاریخ شفاهی از جنس تعابیر مبهمی است که بر دو معنا اطلاق می‌شود. در یک معنا به فرآیند انجام مصاحبه با مردم و ضبط گفته‌های آنان اطلاق می‌شود تا اطلاعات انباشته در ذهن آنان، یعنی خاطراتشان از گذشته سر بر آورد. اما تاریخ شفاهی به‌خودی‌خود محصول همان مصاحبه نیز هست که در قالب گزارشی روایی از رویدادهای گذشته متجلی می‌شود؛ پس هم شیوه‌ای پژوهشی است (وسیله اجرای تحقیقات) و هم ماحصل فرآیند پژوهش؛ به بیان دیگر، مرکب از عمل ضبط و سند برآمده از این عمل

است. الفاظ دیگری را نیز به جای تاریخ شفاهی می توان به کار برد، از قبیل تحقیق درباره گفته های شخصی و تحقیق درباره داستان زندگی. (آبرامز، ۱۳۹۷: ۲۵) تاریخ شفاهی اصولاً شیوه ای برای کشف گذشته و گره گشایی از آن است. در چند دهه اخیر شاهد تغییرات گسترده ای در تاریخ شفاهی بوده ایم. در ادب فارسی خاطره نویسی به مفهوم امروزی آن، به عنوان یکی از منابع اصلی در تاریخ شفاهی، از اواسط دوره قاجار به دلیل رویارویی ایرانیان با غرب و آشنایی با فرهنگ و ادب اروپایی ها شکل گرفت و به ویژه سیاستمداران از آن استقبال کردند. در دوره پهلوی نیز بیش از گذشته به این گونه ادبی توجه شد. اقبال مردم به خاطرات به حدی بود که برای نخستین بار، سیف الله وحیدنیا دست به انتشار مجله تخصصی «خاطرات» زد. (ایروانی، ۱۳۹۰) در گرماگرم حوادث انقلاب اسلامی، مجلات، کتاب ها و روزنامه ها پر از خاطرات مردم و رویدادهای آن زمان بود. با آغاز جنگ تحمیلی، فصل نوینی از خاطره نویسی در این سرزمین آغاز شد؛ خاطرات، ابزاری برای بیان آرمان ها و اهداف رزمندگان، فضا و شرایط حاکم بر جبهه، مشکلات و مصائب جنگ و... شدند. خاطرات اسیران آزاد شده ایرانی که مردم آنان را «آزادگان» نامیدند، نیز گونه دیگری از خاطره نویسی دفاع مقدس بود. در سال های دفاع مقدس تعداد ۴۲۹۱۶ آزاده از فرزندان ایران اسلامی در اردوگاه های عراق به سر می بردند. اغلب آزادگان به دلیل شدت شکنجه و بدرفتاری بعضی ها دچار جراحات شدید و در نتیجه جانبازی شدند؛ به گونه ای که ۹۷ درصد کل آزادگان (بیش از ۴۱ هزار نفر) جانباز محسوب می شوند. (جهان فر، کرمی، ۱۳۹۶: ۱۵) اگرچه برای تحقیق و پژوهش در خصوص جنگ ها، اسناد و مدارک گوناگونی برای انجام این بررسی وجود دارد، اما تاریخ شفاهی به عنوان مکمل اسناد و مدارک برای یافتن حقیقت جایگاه خود را دارد.

## تاریخ شفاهی و خاطره

شاید تاریخ شفاهی نیز یکی دیگر از ابزارهای پرده برداری از وقایع و حقایق گذشته به شمار آید، اما به همین محدوده ختم نمی شود؛ زیرا روش شناسی تعاملی و خلاقانه ای است که ما را با لایه های متعدد پیدا و پنهان در خاطرات مردم و تفسیر معانی آن درگیر می سازد. رویه تاریخ شفاهی بدین علت منحصر به فرد است که فرآیند تعاملی تاریخ شفاهی را با دغدغه های مورخ نسبت به معانی انتسابی مردم به رویدادهای گذشته (تفسیر) در هم می آمیزد. اعتراضات دیرینه منتقدان هم بر همین مبنا است که گفته اند نقایص و ضعف های خاطره در مسیر مواجهه با تاریخ شفاهی برملا می شود؛ منظورشان این است که خاطره در طول زمان از تغییر و دگرگونی و حتی (آلودگی) به میکروب های بیرونی مصون

نیست. اما آنچه در این مسیر، علاقه مورخان شفاهی را به سمت خود می‌کشاند، کیفیت وقوع این آلودگی است. راوی؛ اندیشه‌ها، مضامین، گفته‌ها و کل «خاطرات» مربوط به رویدادهای گذشته را از خانواده، جامعه یا گستره فرهنگی خود «وام می‌گیرد». روشی که پاسخگو با توسل به آن دست به چنین کاری می‌زند، بسیاری از ابعاد خاطرات جمعی محله‌ها، گروه‌ها و ملت‌ها را آشکار می‌سازد. از تداوم و تعامل نظریه‌های مذکور یک رشته فرعی در حوزه مطالعات تاریخی زاییده شده که موضوعش خاطرات جمعی است. هیچ‌یک از بخش‌های حرفه تاریخ علاقه‌ای به نحوه یادآوری خاطرات توسط جوامع -از خانواده گرفته تا ملت‌ها- و نیش قبر گذشته برای تبیین روند تطور هویتشان ندارند. (آبرامز، ۱۳۹۷) تاریخ شفاهی در ذات خود فرآیندی گفتگو محور است؛ مکالمه‌ای در زمان واقعی و بین مصاحبه‌گر و راوی واقعی، سپس بین راوی و مؤلفه‌ای که نام گفتمان بیرونی یا فرهنگ برازنده آن است. در پیامد این مکالمه‌ها - مکالمه‌ای که بر زبان جاری می‌شود و مکالمه‌ای که در خودآگاه راوی صورت می‌گیرد (یعنی فرآیندی که راوی بی‌سروصدا به سؤالات پژوهشگر می‌اندیشد و پاسخ مناسب را برای آن‌ها می‌یابد) - مورخ با مجموعه‌ای از عناصر مواجه می‌شود. (همان) مورخی که هدفش دستیابی به یک تفسیر هدفمند و عمیق از مصاحبه است، باید به همه این موارد توجه نماید. پورتلی شش عنصر را به قرار زیر شناسایی نموده که منابع تاریخ شفاهی به واسطه وجود آن‌ها اصالتاً از «سایر منابع تاریخی» متمایز می‌شوند: شفافیت، روایت، ذهنیت، اعتبار، پدیدآورندگی و عینیت. بسیاری از نظریه‌پردازان می‌توانند عناصر دیگری مانند کنش‌مندی، تغییرپذیری و تشریک مساعی را نیز بیفزایند. (آبرامز، ۱۳۹۷: ۶۴)

علاوه بر این باید دانست که «خاطره در اصل، فرآیندی فعال و پویاست. تاریخ شفاهی را باید رویدادی تعریف کنیم که روایت خاطره‌ای به واسطه ارتباط شکل گرفته بین مصاحبه‌گر با راوی، در بستر واقعی زمان و در واکنش به مجموعه‌ای از ارجاعات بیرونی که به مصاحبه تزریق شده‌اند - مانند پرسش‌های مصاحبه‌گر، آشنایی راوی با بازنمایی‌های رسانه‌ای رویدادهای گذشته، الهامات شخصی و سرنخ‌هایی مانند عکس و یادگاری‌های خانوادگی به وجود می‌آید». (آبرامز، ۱۳۹۷: ۷۳). درباره تعریف خاطره باید گفت: «خاطره، اثر، نوشته یا پدیده‌ای است روایی که پدید آورنده آن با آگاهی و اراده به شرح احوال، حادثه‌ها و رویدادهای گذشته - که به عللی در ذهن ماندنی و برجسته شده‌اند - می‌پردازد. راوی در آن حضور مستقیم یا غیرمستقیم (مشاهده، منابع دست اول و...) دارد. (ایروانی، ۱۳۸۶)

خاطره‌نویسی راهی برای زنده نگاه‌داشتن یادها، تجارب و خاطرات فردی یا گروهی است تا همچون چراغی فرا روی آفرینش‌های ادبی نسل‌های آینده و تاریخ‌نویسی قرار گیرد. در طول جنگ تحمیلی و پس‌از آن، خاطره‌نویسی در مقام یکی از گونه‌های ادبیات پایداری رشد بسزایی یافت و رزمندگان سعی می‌کردند با بهره‌گیری از این نوع ادبی، فرهنگ، فضا، روحیه رزمندگان و وضع حاکم بر جبهه و جنگ را نمایان سازند. این گونه ادبی جنگ، در ادبیات جهان به ادبیات «بازداشتگاهی، اسارت یا اردوگاهی» شهرت دارد. خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی بخشی از ادبیات پایداری است.

### مسئله تحقیق

آشکار شد که تاریخ شفاهی پیوند مستقیم و عمیقی با خاطرات دارد؛ به گونه‌ای که خاطرات یکی از منابع مهم تاریخ شفاهی محسوب می‌شود. هنوز بسیاری از زوایای پنهان و پیدای تاریخ جنگ تحمیلی به‌طور کامل آشکار نشده است. یکی از دسترس‌ترین و مهمترین منابع برای واکاوی حقایق دوران دفاع مقدس بدون تردید مطالعه خاطرات رزمندگان و کسانی است که از نزدیک جنگ تحمیلی را تجربه کرده‌اند. این گروه چون تجربه فیزیکی و حضور مستقیم در این پدیده تاریخی دارند، از منابع دست اول و معتبر برای تدوین و تألیف تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی محسوب می‌گردند. چه‌بسا از رهگذر مطالعه علمی و دقیق این خاطرات، بسیاری از مطالبی پیدا شود که قابل استفاده در شرایط مشابه باشد. از این رو، در این پژوهش تلاش شده است با بررسی علمی خاطرات آزادگان دوران مقدس، حقایق تاریخی دوران اسارت برای ثبت در تاریخ آشکار گردد. بنابراین سؤالات تحقیق به شرح زیر است:

- مهم‌ترین درون‌مایه و محتوای خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی - به‌عنوان داده‌هایی برای تاریخ شفاهی - چیست؟
- سطح فکری و اعتقادی آزادگان جنگ تحمیلی بر اساس خاطرات بررسی شده، چگونه است؟
- جایگاه خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی در تاریخ شفاهی دوران مقدس چگونه است؟

### اهمیت و ضرورت

اهمیت پرداختن به موضوع مورد تحقیق این مقاله از نگاه ایجابی شکل می‌گیرد. تحقیق در این خصوص می‌تواند منجر به تولید دانش مورد نیاز در این خصوص در حوزه ادبیات پایداری شود. ضمن اینکه پرداختن به این قبیل موضوعات، به خودی خود، نشر ارزش‌های دفاع مقدس محسوب می‌شود. ضرورت

پرداختن به این موضوع از نگاه سلبی نشأت می‌گیرد. درواقع اگر به این موضوع پرداخته نشود، فرصت مطالعه در این خصوص از دست می‌رود و احتمال فراموشی یا تحریف متصور است.

## جامعه آماری و نمونه‌برداری

تاکنون بیش از سیصد عنوان کتاب با موضوع خاطره‌نویسی آزادگان دفاع مقدس چاپ شده است. بررسی منش و کنش شخصیت‌ها در تمام خاطرات زمان و حوصله بسیار می‌طلبد؛ بنابراین پنج عنوان کتاب را - به دلایلی که ذکر خواهد شد- از بین خاطرات انتخاب کرده، نتیجه آن را تعمیم می‌دهیم. به عبارت دیگر جامعه آماری موردبررسی ما، خاطره‌نگاشته‌های اسرای ایرانی در بند عراق، در بازه زمانی ۱۳۶۰-۱۳۸۰ ه.ش. است. البته در بررسی اجمالی سایر کتاب‌های این دوره، به دلیل اینکه تمام این خاطره‌نگاشته‌ها از سوی نهادهای دولتی در ایران منتشر شده‌اند و شرایط مکانی، روانی و مکانی تقریباً یکنواختی دارند (همه اسرا در جنگ تحمیلی اسیر شدند و در زندان‌های عراق در بند بوده‌اند)، می‌توان نتایج را با ضریب اطمینان حدود نود درصد (۹۰ درصد) تعمیم داد. در این پژوهش سعی شده است، آثاری انتخاب شوند که ویژگی‌های زیر را دارند:

- ✓ دارای نظم و انسجام منطقی‌اند؛ به این ترتیب که از چگونگی اسارت راوی شروع شده‌اند و تا پایان دوره اسارت ادامه می‌یابند، ساختار مشخص و یکدستی دارند و تنها خاطرات یک‌تن هستند.
- ✓ دارای وحدت موضوعند؛ فقط به موضوع اسارت اختصاص دارند.
- ✓ از نظر ادبی در سطح نسبتاً قابل قبولی هستند؛ به عبارت دیگر ارزش بررسی و نقد دارند.
- ✓ شایان ذکر است کوشیده‌ایم از هر قشر از اسرا (ارتش، سپاه پاسداران، نیروهای مردمی، زنان، و ...) حداقل یک اثر انتخاب شود.

با توجه به نکات یادشده، پنج کتاب زیر انتخاب گردید:

- ✓ «آسمان فکه» خاطرات حسین تاج‌زاد به عنوان نماینده اسرای بسیجی؛
- ✓ کتاب «گداخته» از مهندس علی زردبانی به عنوان نماینده قشر تحصیل کرده دانشگاهی؛
- ✓ کتاب «سال‌های تنهایی» خاطرات خلبان شروین از افسران ارتش، به عنوان نماینده اسرای ارتش؛
- ✓ «رمل‌های تشنه» خاطرات جعفر ربیعی به عنوان نماینده اسرای سپاه و نیز اسرایی که در خرداد ۱۳۶۴ آزاد شده‌اند؛

✓ « چشم در چشم آنان» خاطرات خانم فاطمه ناهیدی به عنوان نماینده خاطرات زنان در اسارت.

## روش و هدف تحقیق

روش تحقیق در این مقاله روش تحلیلی- توصیفی و بر مبنای تحلیل محتواست؛ به این صورت که تمام آثار به دقت مطالعه شده بر اساس شیوه رایج در سبک‌شناسی، سطح فکری و درون‌مایه خاطرات آزادگان دفاع مقدس بررسی و تبیین شده است. سطح فکری هر اثر به چهار بخش قابل تقسیم است:

✓ سطح فکری و اعتقادی راوی؛

✓ سطح فکری و اعتقادی اسرا و رزمندگان؛

✓ سطح فکری و اعتقادی دشمن؛

✓ سایر درون‌مایه‌های متن، شامل عوامل خارجی و شرایط محیطی است.

با بررسی و تحلیل این چهار سطح فکری اعتقادی و درون‌مایه خاطرات آزادگان، داده‌های تاریخ شفاهی به دست می‌آید که هدف اصلی این مقاله محسوب می‌گردد.

## بررسی و تحلیل درون‌مایه و سطح فکری کتاب «سال‌های تنهایی»

«سال‌های تنهایی» خاطرات دوران اسارت خلبان هوشنگ شروین است که به کوشش رضا بنده خدا در دفتر ادبیات و هنر مقاومت در سال ۱۳۷۵، تدوین و چاپ گردید.

## خلاصه‌ای از اثر

راوی، هوشنگ شروین، در کلاس سوم دبستان پدر خود را از دست می‌دهد و مادر بار زندگی را به دوش می‌کشد. در هنرستان در رشته نساجی تحصیل می‌کند. به دلایلی تغییر رشته می‌دهد و دیپلم ریاضی می‌گیرد. سپس وارد دانشکده خلبانی می‌شود و این دوره را در ایران و سپس در امریکا به پایان می‌رساند. پس از پایان تحصیل، به ایران برمی‌گردد. در پایگاه‌های بوشهر و تهران به خدمت مشغول می‌شود. در سال ۱۳۵۸ ازدواج می‌کند. در تابستان ۵۹ به پایگاه شاهرخی همدان - شهید نوژه - منتقل می‌گردد. در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ پس از حمله عراق به فرودگاه‌های کشور، به پایگاه مراجعه می‌کند و به دو مأموریت پروازی برای حفاظت از منطقه ارومیه اعزام می‌شود. صبح روز بعد مأموریت غیرمترقبه‌ای برای بمباران پایگاه کوت عراق به عهده می‌گیرد. در این مأموریت، رهبری تیم را به عهده دارد و با دو

فروند هواپیما به سمت هدف عازم می‌شوند. پس از بمباران هدف، در مسیر بازگشت به خاک کشور، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و ناچار به ترک هواپیما می‌شود. به این ترتیب راوی و رضا صلواتی، خلبان کابین عقب هواپیما، به اسارت دشمن در می‌آیند. راوی ده سال در زندان‌های ابوغریب، استخبارات، نیروی هوایی، دژبان و چند مکان دیگر در اسارت به سر می‌برد، ولی تا اواخر اسارت یعنی تابستان ۱۳۶۹ به صلیب سرخ معرفی نمی‌شود و در حقیقت جزو مفقودالائرها تلقی می‌گردد. در این اثر، راوی به شرح دوران اسارت، سختی‌ها و مشکلات آن، رفتار دشمن و... می‌پردازد. پس از آزادی، استقبال پرشور و گرم مردم از اسرا را توصیف می‌کند و خود را شرمنده مردم می‌داند. راوی، احساسات خود را نسبت به خانواده به صورت صمیمی توصیف می‌کند.

### بررسی سطح فکری و درونمایه اثر

«سال‌های تنهایی» اثری برون‌گرا و عینی است؛ زیرا بیشتر به سطح و بیرون پدیده‌ها، شخصیت‌ها و افراد توجه دارد.

الف) روحیه و ویژگی‌های فردی راوی:

راوی بسیار دقیق و محاسبه‌گر است. او فردی کنجکاو و باهوش است. با توجه به اینکه نظامی و خلبان است؛ به هر جا قدم می‌گذارد، سعی می‌کند نقاط قوت و ضعف نگهبان‌ها برای فرار احتمالی، زوایا، ارتفاع دیوارهای زندان و سایر مشخصات مکان را به دقت مورد بررسی قرار دهد و از جزئی‌ترین تحرکات و حيله‌های دشمن پرده بردارد:

«... مسئله مهم دیگری که در این ایام رخ داد، این بود که متوجه شدیم در پشت تخته‌های نصب‌شده بر روی پنجره‌ها، میکروفن کار گذاشته‌اند تا بهتر بتوانند ما را کنترل کنند و احیاناً از مطالبی که در حرف‌هایمان برایشان مهم و مفید است، استفاده کنند ... سه تا را از کار انداختیم؛ ولی صلاح دیدیم که بقیه را دست نزنیم؛ زیرا وقتی دشمن متوجه کشف و انهدام آن‌ها می‌شد، احتمالاً دست به اقدام و حربه دیگری می‌زد که می‌توانست برای ما ناشناخته بماند... در عوض ما به وجود آن‌ها پی برده و مواظب حرکات به خصوص گفتگوهای خود بودیم.» ص ۷۲

- تلاش برای فرار از زندان نیز از ویژگی‌های شخصیتی راوی است:

«بعد از تصفیۀ دوم، یک اقدام جدی و هماهنگ برای کسب اطلاعات لازم برای اجرای «طرح احتمالی فرار» به طور شبانه‌روز آغاز کردیم.» ص ۸۱

- دقت: «صدای بسته شدن دریچهٔ غرفه زندان کاملاً به گوش می‌رسید. روز بعد که غذا و چای آوردند، صداها را شمردم. حدود بیست بار صدای بسته شدن دریچه‌ها شنیده شد.» ص ۴۳

- راوی رابطهٔ بسیار صمیمی و عاطفی با خانواده دارد:

«مهری (همسر راوی) نیمۀ دیگر من شده بود و این احساس که کسی در خانه منتظر من است، خشنود و مقید می‌کرد.

بعد از چند سال کار و زحمت شبانه‌روزی، عطوفت و صبوری و عشق همسر «مهری» همه خستگی‌هایم را مثل باران شست و زندگی‌ام را طراوت داد.» ص ۹

«همسر خود را نزدیک اتوبوس رساند و برای اینکه بهتر بتواند مرا ببیند، سعی داشت تا جلوی اتوبوس را بگیرد. گویی مثل کبوتر بال‌بال می‌زد. احساس کردم بیشتر از همه دوستش دارم و دوستش خواهم داشت.» ص ۱۸۲

- راوی در زندان‌های ابوغریب، استخبارات، ابی‌وقاص، نیروی هوایی و دژبان دوران اسارت خود را گذرانده است.

- استقبال باشکوه و بی‌نظیر مردم از ورود آزادگان به میهن اسلامی را به گرمی توصیف کرده است: (ص ۱۷۷-۱۸۶)

«... مسأله دیگری که تا قیامت مرا مدیون نگه خواهد داشت، استقبال پرشور و گرم و مشتاقانه مردم بود که شرمندگی‌اش همیشه با من خواهد ماند؛ آنچه من کردم تنها وظیفه ارتشی و اسلامی‌ام بود و بس، و لایق این همه محبت و ابراز احساسات پاک و صادقانه و حقیقتاً گران‌بها نبوده‌ام.» ص ۱۸۶

- متأسف شدن و حسرت خوردن از زود اسیر شدن خود، ولی راضی به رضای الهی است. (ب ۳) ص ۱۱۲

ب) اعتقاد (سطح فکری) راوی قبل از اسارت:

راوی با صداقت اعتراف می‌کند که در ابتدای اسارت شناخت عمیقی از دین اسلام و انقلاب اسلامی نداشته است:

«... باید اعتراف کنم - مثل خیلی‌ها- نه اسلام را خوب می‌شناختم و نه امام را.» ص ۹

«هوا رفته رفته به روشنی می‌زد که بلند شدم تا نماز را بخوانم. ولی متأسفانه خوب بلد نبودم. چون در ایران نماز نمی‌خواندم.» ص ۴۳

ج) اعتقاد راوی بعد از اسارت:

در دوران اسارت بر اثر رفت و آمد با برخی دوستان نماز را فرامی‌گیرد:

«... چیزی نگذشت که تقریباً سی نفر در اتاق جمع شدند، بعضی را می‌شناختم. یکی از آنان رضا احمدی بود که آخرین شب قبل از اسارت در منزلم با هم بودیم... بعد از حال و احوال مختصری و جویا شدن از نحوه اسارتش، بی‌رو در بایستی به او گفتم: رضاجان! سریع نماز را برایم بگو، چند تا اشکال دارم.» ص ۵۶

راوی نسبت به اسلام شناخت پیدا می‌کند و به امام و انقلاب علاقه‌مند می‌شود و حتی در بازجویی‌ها از اعتقادات خود دفاع می‌کند و سرانجام:

«... در طول ده سال اسارت با همه سختی‌ها و مشقات آن، بسیار چیزها آموخته بودم که در طرز تفکر و جهان‌بینی‌ام تحولی عظیم پدید آورده بود. اسارت را به عنوان یکی از نعمات الهی برای خود محسوب می‌کردم که به این طریق، خداوند درهای بسته قلبم را به روی سرزمین زیبا و آرامش‌بخش معنویات گشوده بود. در حقیقت بیشتر توانسته بودم با خودم آشنا شوم...» ص ۱۷۹

همچنین اسارت را آزمایش الهی می‌داند:

«اسارت برای من آزمایش الهی بود و همیشه در صحبت‌هایم با اشاره به این موضوع، از خداوند می‌خواستم که از این آزمایش الهی سربلند بیرون بیایم. گرچه قادر نبودم، تأسف خود را نیز از زود اسیر شدنم کتمان کنم، ولی راضی به رضای خدا بودم...» ص ۱۱۲

البته با توجه به اعتراف به تغییر نگرش به دین و انقلاب و امام، باور این موضوع که در اسارت یک دفعه نماز را فرا بگیرد، اعتقاداتش استوار گردد و حتی در بازجویی‌ها از این اعتقادات دفاع نماید، تا حدودی مشکل است؛ برای باورپذیرتر بودن این مطالب بهتر بود کامل‌تر و جزئی‌تر، مراحل علاقه‌مندی خود به اسلام، امام و انقلاب را بیان می‌کرد تا برای خواننده پذیرفتنی‌تر باشد. البته شرایط

سلول انفرادی، تنهایی، غربت و اسارت ناخودآگاه انسان را متوجه معبود خویش می‌سازد، ولی راوی به این امر و حدیث نفس درباره آن کمتر توجه کرده است و پخته‌وار بیان نکرده است.

- در اسارت تسلیم خواسته‌های دشمن نمی‌شود:

«بی‌لحظه‌ای تأمل که احساس می‌کردم جایز نیست، صریح و مطمئن جواب دادم: این کار را نمی‌کنم. سعی کرد خودش را متعجب نشان دهد؛ با ابروهای درهم و چشم‌های بی‌حالتش، سری تکان داد و پرسید: چرا؟ مگر نگفتی می‌خواهی خانواده‌ات بدانند تو زنده‌ای؟

- می‌خواهم، اما نه به این قیمت.» ص ۲۶

- نظر و اعتقاد راوی نسبت به وطن: «ایران، تنهاترین و زیباترین و مهربان‌ترین خانه این دنیای ماست!»  
ص ۱۷۷

- افراد موفق در اسارت از نظر راوی: «در اسارت کسی می‌تواند موفق باشد که وظایف مربوط به آن را به نحو احسن انجام دهد. آن وظایف بیش از سه مورد نبود: اول عدم همکاری با دشمن. دوم، تلاش پیگیر در جهت اقدام به فرار؛ البته در شرایط مناسب و بی‌آنکه صدمه‌ای به اسرای دیگر برسد. سوم اعتقاد و حراست از آرمان شهیدان در جهت برپایی و قوام حکومت مقدس اسلامی.» ص ۱۱۳

تصور و اندیشه راوی درباره جنگ در آغاز جنگ تحمیلی:

«با پایگاه تماس گرفتم. گفتند: «هوایماهای عراقی حمله کرده‌اند... هنوز باور نمی‌کردم: عراق؟! خودش می‌داند حریف ما نمی‌شود، پس چطور...؟!» ص ۸

«جنگ بود. جنگ نه؛ تجاوز دشمن بود و من از ته دلم می‌خواستم در خدمت دفاع مقدس باشم، با تمام وجود.» ص ۱۲

«از زود اسیر شدنم احساس تأسف شدیدی داشتم. دلم می‌خواست دوباره آزادی‌ام را به دست آورم تا بتوانم وارد جنگ شوم و خدمتی در خور انجام دهم.» ص ۴۴

(د) وقایع دوران اسارت:

- همان‌طور که ذکر شد راوی، فردی برون‌گراست. او به افکار و اعمال سایر اسرا توجه دقیق دارد؛ برای نمونه از تصمیم آذر نامی چنین گزارش می‌دهد، ابتدا کارها، رفتار و شخصیت آذر را ترسیم می‌کند. سپس سرسپردگی او را به رژیم بعث عراق بیان، و درنهایت تبلیغات آشکار او را برای انجام کودتا بر

ضد ایران توصیف می‌کند که قرار بود با حمله گسترده به تهران و همکاری عوامل داخلی، تهران را تصرف کنند. راوی به آذر و اطرافیان او اعتراض، و برای ترک رفتارهایشان، آن‌ها را نصیحت می‌کند. این امر موجب می‌شود که پس از آن به صورت علنی در آن باره صحبت نکنند. سرانجام شکست خیانت آذر را تشریح می‌کند.

- خیانت عده‌ای از اسرا و همکاری آن‌ها با عراقی‌ها از تلخ‌ترین واقعه‌های دوران اسارت راوی است: «... درحقیقت باید اذعان کنم، مهم‌ترین و تلخ‌ترین واقعه‌ای که می‌توانست به وجود بیاید، در این زمان رخ داد؛ یعنی همکاری عده‌ای از اسرا با عراقی‌های بعثی که قصد خام انجام کودتا علیه حکومت اسلامی ایران را داشتند.» (ص ۷۲)

- ارتحال امام خمینی<sup>(ه)</sup> باعث ناراحتی و غم اسرا شد (ص ۱۶۶)، استقبال پرشکوه مردم از اسرا در شهرهای مرزی. (ص ۱۷۴)

- خلبان «حمید نعمتی» که آدمی بی‌بند و بارو عیاش بود. به عراق پناهنده شده بود و برای عراق جاسوسی می‌کرد. پس از همدستی در کودتای نوژه به عراق پناهنده شد. (ص ۲۴)

ه) روحیه و ویژگی‌های اسرا:

- اسرای هم‌بند راوی، همگی خلبان، افسر و از متخصصان نیروی هوایی بوده و یک جمع نظامی را تشکیل می‌داده‌اند؛ بنابراین رعایت نظم و انضباط را - مانند ارتش - لازم می‌شمرده‌اند:

«همان اولین روزها، تعداد زیاد افراد، فرمانده آسایشگاه (سرگرد محمودی) را وادار کرد تا در مورد امور مختلف، به طور صحیح تصمیم‌گیری، ابلاغ و اجرا کند. او از افسران ارشد دعوت به گردهمایی کرد. در این نشست که تقریباً ده نفر بودیم، تصمیم گرفته شد تا هر افسر ارشد به‌عنوان فرمانده گروه باشد و هر گروه هفت تا دوازده عضو داشته باشد. به این ترتیب، امور بین فرماندهان گروه‌ها هماهنگ و از طریق آنان به افراد ابلاغ می‌شد.» (ص ۶۶)

- همچنین می‌توان به تشکیل گروه «هاد» (مخفف هیأت امور داخلی) برای سروسامان دادن به اوضاع آسایشگاه نیز اشاره کرد.

- ابتکارات اسرا بسیار جالب است؛ مثلاً درست کردن باتری از پوست انار، یا تهیه خودنویس از سرنگ، و تهیه جوهر و... .

- مراسم مختلفی مانند سوگواری امام حسین (ع)، جشن‌های دهه فجر، عید نوروز و... در اسارت برگزار می‌شد. ص ۱۶۰

- شنیدن خبر ناگهانی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به وسیله امام که همه تعجب کردند. ص ۱۶۲

- در عراق افراد خودفروخته‌ای چون خلبان حمید نعمتی حضور داشتند که تمامی اطلاعات نظامی پایگاه‌های نیروی هوایی ارتش ایران را در اختیار عراق قرار می‌دادند.

- استفاده از مرس الفبایی برای برقراری ارتباط با بقیه اسرا: به ترتیب شماره حروف الفبا به دیوارهای سلول انفرادی ضربه می‌زدند تا بقیه اسرا متوجه منظور آن‌ها شوند. مثلاً برای حرف «الف»، یک ضربه؛ برای حرف «ب»، دو ضربه؛... که بسیار وقت گیر و سخت بود.

- برنامه‌ریزی و طراحی برای انجام کارها:

«... بچه‌ها موافقت کردند، ولی قرار شد حتی‌المقدور تمام جوانب کار به‌دقت بررسی شود. حتی احتمالات یک‌درصدی نیز در برنامه‌مان پنهان نماند. بسم‌الله را گفتیم... در طراحی قرار شد در صورتی که رادیوی نگهبان روی تخت یا میزشان باشد... (توضیح چگونگی عمل اسرا)... طرح با موفقیت کامل انجام گرفت و با یاری خداوند رادیو وارد آسایشگاه شد.» ص ۸۳

- ممنوعیت کاغذ و قلم باعث پیدایش ابتکاراتی در بین اسرا شد؛ مثلاً با سرنگ خودنویس درست کردند و با پوست انار، جوهر. (الف ۴) ص ۸۴

- بهبود روحیه اسرا به خاطر وجود رادیو و مطلع شدن از اوضاع خارج از زندان. (ب ۳) ص ۸۵

و) برخورد و ویژگی‌های شخصیتی دشمن

- حمله هوایی و بمباران فرودگاه مهرآباد و پایگاه هوایی شهید نوژه در آخرین روز تابستان ۱۳۵۹. (ص ۱۰)

درخواست مصاحبه رادیویی بر علیه ایران و مخالفت راوی. (ص ۲۶)، هدف قرار دادن هواپیمای راوی (ص ۱۶)، اسیر کردن راوی و خلبان کابین عقب هواپیما. (ص ۱۷)، حمله و زدن مردم به راوی و خلبان همراه و متفرق کردن آنان توسط نظامیان عراقی. (ص ۱۸)، افسر عراقی به راوی اطمینان داد که تمام اطلاعات پایگاه را از طریق عامل خود «حمید نعمتی» در اختیار دارند. (ص ۲۳)، تهدید، ارباب، تطمیع، شکنجه، فرستادن به سلول انفرادی و... اسرا از کارها و تاکتیک‌های معمولی عراقی‌ها برای

رسیدن به اهدافشان بود، تبلیغ صدام حسین مبنی بر صلح طلبی و اینکه به اختیار خاک ایران را ترک می‌کنیم. (ص ۹۱)

- شکنجه شدید اسرا. (ص ۱۰۱)، وجود اسرای زن ایرانی در زندان استخبارات (ص ۶۰).

ویژگی دولت عراق در روزنامه‌های عراق را این‌گونه تشریح می‌کند:

«در صفحه اول همیشه عکس صدام به چاپ می‌رسید و حالات او بیشتر شبیه به یک هنرپیشه بود تا رئیس مملکت. یا وقتی درباره مرام حزب بعث می‌نوشتند، رسماً اعلام می‌کردند که در حزب بعث جایی برای دین وجود ندارد؛ اما هر چه می‌گذشت، مسائل دگرگونه می‌شد؛ تا جایی که عکس سربازان عراقی را در سنگرها - که تا دیروز با مجلات سکسی و ورق‌بازی نشان می‌دادند - در حال ادای فریضه نماز به چاپ می‌رساندند... یا برای صدام شجره‌نامه‌ای ساخته و نسبت او را به امام حسین (ع) رسانده بودند. به قول یکی از بچه‌ها اگر احساس نیاز کنند، می‌گویند صدام پسرخاله امام حسین (ع) است.

ص ۹۱

«... یا اطلاعیه‌های نظامی با بسم‌الله شروع می‌شد. اسامی تیپ‌ها و لشکرها را با عنوان‌های دینی و اسامی ائمه معصومین (ع) عوض کرده بودند. یا خبر به زیارت رفتن صدام به اماکن متبرکه هر روز درج می‌شد.»

ص ۹۱

- راوی تا آخرین روز اسارت به صلیب سرخ معرفی نشده بود و در حقیقت مفقودالاثربه حساب می‌آمد. البته ایران از موضوع اسارت او آگاهی داشت؛ زیرا روز بعد از اسارت راوی، یکی از هواپیماهای دشمن مورد هدف قرار می‌گیرد و خلبان عراقی که اسیر می‌شود، خبر اسارت راوی را به مسئولان ایران می‌دهد. - سیگار هم در اسارت مسأله‌ساز بود و بسیار مورد سوء استفاده دشمن قرار می‌گرفت و به این وسیله، خیلی از خواسته‌های خود را برآورده می‌کرد. هر چه افراد سیگاری بیشتر ضعف نشان می‌دادند، بیشتر فشار می‌آورد. (ص ۷۴)

- حمله عراق به کویت که بعد از آن عراق تمام خواسته‌های ایران را پذیرفت. (ص ۱۶۵)، حمله عراق به کویت. (ص ۱۶۵)

- پذیرش رسمی قرارداد الجزایر و تمام خواسته‌های ایران از سوی عراق. ص ۱۶۵، تبادل اسرا. (ص ۱۷۰)

بررسی و تحلیل سطح فکری و درونمایه کتاب «آسمان فکه»

«آسمان فکه» خاطرات حسین تاجزاد از آزادگان دفاع مقدس است که در سال ۱۳۷۵ در دفتر ادبیات و هنر مقاومت تدوین شده و با شمارگان ۳۳۰۰ نسخه در انتشارات سوره به چاپ رسیده است. تعداد صفحات کتاب ۹۱ صفحه در قطع وزیری است.

### خلاصه اثر

کتاب با توصیف فضای روحانی شب عملیات شروع می شود. پس از اینکه فرمان حرکت نیروها صادر می شود، نیروها به سمت اهداف حرکت می کنند، از میدان مین می گذرند و به نزدیکی نیروهای دشمن می رسند. در همین حین، گلوله ای به پای چپ راوی اصابت می کند و او را از حرکت باز می دارد. نیروها از کنار او می گذرند. عملیات شکست می خورد و فرمان عقب نشینی صادر می شود. چند نفر از رزمندگان هنگام بازگشت، راوی را می بینند و سعی می کنند او را به عقب برگردانند، اما موفق نمی شوند و به رغم اصرار راوی، او را رها می کنند. یکی از مجروحان خود را به وی نزدیک می کند و با او در حال گفتگو است که نیروهای عراقی سر می رسند. رزمنده مجروح که خیلی ترسیده است، از زمین بلند می شود. عراقی ها متوجه او و راوی می شوند و هر دو به اسارت نیروهای عراقی در می آیند. آن روز ۱۳۶۱/۱۱/۱۸ بود. او را به بیمارستان شهر العماره منتقل می کنند. پس از عکس برداری، پایش را آتل بندی می کنند و سپس به اردوگاه منتقل می شود. چند روز بعد هیأت صلیب سرخ وارد اردوگاه می شود و برای وی کارت اسارت صادر می کنند. کتاب به توصیف رفتار خشن عراقی ها، رفتار اسرا با یکدیگر، رفتار آن ها با عراقی ها، رویدادهای مهم مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸، رحلت امام خمینی (ره)، توصیف لحظات روحانی زیارت، دعا و... می پردازد. راوی در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۹ به زیارت مرقد مطهر امام علی (ع) و امام حسین (ع) نائل می شود. در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۱ همراه با تعدادی دیگر از اسرا آزاد می شود و به ایران برمی گردد.

### بررسی سطح فکری و درونمایه اثر:

الف) روحیه و ویژگی های فردی راوی:

از بررسی و تحلیل متن، نحوه سخن گفتن و توصیفات نویسنده، سطح فکری متن و به تبع آن شخصیت نویسنده مشخص می شود:

- راوی فردی محافظه کار و آرام است. اهل خطر کردن و تغییر دادن شرایط نیست؛ به طوری که در تمام مدت اسارت حتی یک لحظه هم به فکر فرار از اردوگاه نیفتاده است. البته شاید سختگیری بیش از حد دشمن دلیل آن باشد.

- این خاطره نوشته اثری برونگرا و عینی است؛ به طوری که بیشتر تمرکز را متوجه هم‌زمان و رفتار دشمن کرده، جز در مواقع ضروری از خود سخن نمی گوید.

- به کارهای هنری، سرگرمی‌ها و... دوران اسارت توجهی ندارد.

- امکانات اردوگاه را بسیار کم می‌داند. ص ۲۳

- ترس را عامل اسارت معرفی می‌کند. بنا به یک ضرب‌المثل معروف نظامی: «اگر بترسی، اسیر می‌شوی؛ اگر نترسی، کشته می‌شوی.»؛ راوی به غیر از مجروح بودن، ترس هم‌رزم مجروحش را- که روحیه‌اش را کاملاً از دست داده بود- دلیل اسارت هر دوشان بیان می‌کند.

ب) اعتقادات راوی:

- راوی فردی مذهبی، با احساس و عاشق اهل بیت است. بهترین قسمت‌های متن، توصیف فضا و حال و هوای شب عملیات، لحظات خواندن ادعیه و زیارت ائمه<sup>(ع)</sup> است:

«خیل قافله سرمستان به آستانه ورود و مرز دخول رسید. اشراقات دل‌فروز و اشعه جان‌بخش منعکس شده از گنبد طلایی مرقد حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> آینه قلب دلدادگان را نورانی و پرفروغ می‌ساخت.» ص ۶۸

«دل‌ها در اینجا بود و روح سرگشته و شیدایمان، کربلا را وطن خود می‌دانست.» ص ۶۱

«از صحن مطهر گذشتیم و وارد رواق‌های مقدس شدیم. با مشاهده ضریح منور حضرت، بغض‌ها ترکید و سیلاب گریه و اشک بر چهره‌ها جاری گشت.» ص ۶۵

- تحمل اسارت را مانند جهاد، تکلیف الهی می‌داند.

- بر انگیزه شدن احساسات راوی به خاطر مژده زیارت و تشریف به کربلا و نجف (ص ۵۴)، اعزام راوی به همراه چهارصد نفر دیگر به زیارت کربلا و نجف در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۹ (ص ۵۴)، توجیه راوی و همراهان نسبت به برنامه‌ها و انضباط در هنگام زیارت. (ص ۵۵)، مشاهده محیط بیرون از اردوگاه پس از هفت سال (ص ۵۶)، زیارت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و ابوالفضل العباس<sup>(ع)</sup> توصیف حال و تنوای زیارت و کربلا (ص ۵۷)، حرکت به سمت نجف، تحلیل و توجه راوی بعد از مشاهده بافت مسکونی قدیمی شهر

نجف، عدم توجه به نوسازی و آبادانی آن و جو خفقان و دیکتاتوری رژیم بعث (ص ۶۸)، زیارت امام علی<sup>(ع)</sup> توصیف حال و هوای زیارت (ص ۷۰)،

ج) وقایع دوران اسارت:

بازدید هیأت سازمان ملل از اردوگاه و محکومیت عراق برای شکنجه اسرا (ص ۳۳)، تشریف به زیارت ائمه<sup>(ع)</sup> در کربلا و نجف بهترین خاطره، ص ۵۴، و رحلت امام خمینی<sup>(ره)</sup> بدترین خاطره راوی است. (ص ۸۴)

- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ و ناراحتی اسرا به خاطر تشبیه پذیرش آن به نوشیدن زهر از سوی امام (ص ۵۲)

- اعلام خبر ارتحال امام خمینی<sup>(ره)</sup> در اخبار ساعت ۸ صبح رادیو عراق به تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۴ (ص ۸۴)، گریه و ناله اسرا و اعلام چهل روز عزای عمومی در اردوگاه و عزاداری برای امام<sup>(ره)</sup> (ص ۸۵)، اعلام خبر رهبری آیت الله خامنه‌ای (ص ۸۵)، آزادی تعدادی از اسرای جانباز و معلول در سال ۱۳۶۴ (ص ۳۵)، حمله عراق به کویت، پذیرش شرایط ایران از سوی عراق و تبادل اسرای طرفین (ص ۸۶)، سرور و خوشحالی اسرا از مژده آزادی (ص ۸۷).

- کتاب اثری روایی است. متن بیشتر به سطح و شرح رویدادها توجه دارد و کمتر به تحلیل عمقی مسائل می‌پردازد؛ مثلاً علل شکست عملیات و در نتیجه اسارت خود را بیان نمی‌کند و در بسیاری از موارد تنها به بیان و شرح رخدادها می‌پردازد.

به‌طور کلی، از دنیا گذاشتن و دل نبستن به مادیات و علایق دنیوی و صبر و پایداری در برابر مشکلات، توجه به عنایات حق، توکل به خدا و توسل به ائمه اطهار<sup>(ع)</sup>، و از طرف دیگر، ناجوانمردی دشمن، رفتار خشن و ددمنشانه او، شکنجه کردن و آزار و اذیت اسرا از دیگر درونمایه‌های متن است.

د) رفتار اسرا و مقابله آن‌ها با ترفندهای عراقی‌ها:

رحلت امام<sup>(ره)</sup> و ناراحتی و عزاداری راوی و سایر اسرا (ص ۸۳)، اسرای قدیمی نقش پرسنل و خدمه بیمارستان را به عهده داشتند و به مجروحان تازه وارد رسیدگی می‌کردند. (ص ۱۳)، ورود تعدادی خبرنگار، عکاس و فیلم‌بردار به اردوگاه جهت استفاده سیاسی و تبلیغات عراق. (ص ۱۹)، شورش ویر دادن شعار علیه خبرنگاران و جلوگیری از فعالیت آن‌ها توسط اسرا. (ص ۲۰)، اعتصاب غذایی اسرا به

خاطر آزار وایت کردن عراقی‌ها (ص ۲۱)، نتیجه دادن اعتصاب به خاطر یکپارچگی و اتحاد اسرا و خوشحالی اسرا (ص ۲۲)، برگزاری جلسات فرهنگی مانند آموزش زبان‌های خارجی، عربی، شرح ادعیه، تفسیر قرآن و... به صورت مخفی (ص ۲۴)، رسیدگی و مداوای افراد شکنجه شده، مهربانی کردن و روحیه دادن به آن‌ها (ص ۳۱)، خوشحالی اسرا از نامه شکایت‌آمیز سازمان ملل به عراق و گلایه از رفتار غیرانسانی با اسرای ایرانی (ص ۳۳)، ورود هیات صلیب سرخ، پیگیری اسرا و آزادی استفاده از قلم و کاغذ (ص ۳۵)، کتک زدن یکی از جاسوسان و آزار و اذیت همه اسرا متعاقب آن از سوی عراقی‌ها (ص ۴۶)، معرفی نکردن عاملان کت کاری جاسوس با وجود شکنجه زیاد عراقی‌ها (ص ۵۰)، خوشحالی اسرا به خاطر مژده زیارت کربلا و نجف (ص ۵۳).

ه) دشمن:

- تصرف کویت در مدت یک روز (ص ۸۶)، نوشتن نامه رئیس‌جمهور عراق به رئیس‌جمهور ایران مبنی بر پذیرفتن تمام شرایط ایران برای آتش‌بس که یکی از آن‌ها آزادی اسرای طرفین بود (ص ۸۶)، اهدای یک جلد قرآن مجید به هر اسیر ایرانی (ص ۹۰).

بررسی و تحلیل سطح فکری و درونمایه کتاب «چشم در چشم آنان»

«چشم در چشم آنان»، خاطرات دوران اسارت خانم فاطمه ناهیدی است. این کتاب در سال ۱۳۷۵ به کوشش خانم مریم شانکی در دفتر ادبیات و هنر مقاومت تدوین شد و در انتشارات سوره به چاپ رسید. تعداد صفحات کتاب ۱۴۰ صفحه در قطع وزیری است.

### خلاصه‌ای از کتاب:

خانم فاطمه ناهیدی پرستار است. با آغاز جنگ، در پنجم مهرماه ۱۳۵۹ از بندرعباس به تهران می‌آید و علی‌رغم اصرارهای بستگان، برای کمک و مداوای مجروحان به خرمشهر می‌رود. در بیستم مهرماه در حین اعزام برای مداوای مجروحان در خط مقدم، به اسارت نیروهای بعثی درمی‌آید. او را به عقب جبهه و سپس به بصره منتقل می‌کنند. در بصره سه اسیر خانم دیگر هم به او ملحق می‌شوند. پس از مدتی آن‌ها را به زندان الرشید بغداد منتقل می‌کنند. در این زندان، شرایط سختی برای اسرا وجود داشت. راوی و سه همراه او از طریق سایر زندانیان مرد از وجود اردوگاه و آزادی‌های نسبی آنجا مطلع می‌شوند. از عراقی‌ها درخواست انتقال آن‌ها به اردوگاه می‌کنند. عراقی‌ها نمی‌پذیرند. در نتیجه راوی و سه همراه او

تصمیم به اعتصاب غذا می گیرند و پس از هجده روز اعتصاب غذا سرانجام به اردوگاه منتقل می شوند و صلیب سرخ کارت اسارت برای آنان صادر می کند. در بهمن ماه ۱۳۶۲ همراه با ۱۹۰ نفر از اسرا، آزاد می شوند و به ایران برمی گردند. کتاب به ذکر رویدادها، مشکلات و رفتار عراقی ها با راوی و سایر اسرا می پردازد.

### بررسی سطح فکری و درونمایه اثر:

اهمیت اصلی اثر در سطح فکری و درونمایه آن است و به دلیل اینکه خاطرات یک زن اسیر در دست عراقی هاست، می تواند یکی از اسناد مهم تاریخی درباره جنگ تحمیلی و دوران اسارت باشد، ولی به دلیل کلی گویی و بیان مبهم حوادث، عدم موشکافی دقیق، ایجاز منحل، گذر پرشتاب از رویدادها، بیان نکردن احساسات فرومرده، رفتارهای عراقی ها با زنان خاصه با دختران جوان، نپرداختن به تمام جوانب و ابعاد گوناگون زندگی بازداشتی، جلوه چندانی ندارد و در حد گزارشی سطحی نگرانه، ساده و مختصر باقی می ماند.

- متن، اثری برونگرا و عینی است و کمتر از افکار درونی، ذهنیات و احساسات راوی سخن می گوید.

#### الف) مشاهدات و وقایع قبل از اسارت:

- اقامت در پایگاه دزفول برای یک شب و بمباران وحشتناک آن شهر (ص ۹)، بمباران خرمشهر و توصیف وضعیت جنگی خرمشهر (ص ۱۰)، عزیمت راوی و دو امدادگر به همراه دو سرباز دیگر به خط مقدم برای مداوای مجروحان (ص ۱۱)، سقوط خط و استقرار عراقی ها در آن محل (ص ۱۲)، اصابت گلوله ای به آمبولانس و مجروح شدن یکی از همراهان (ص ۱۲)، پانسمان مجروح توسط راوی و سر رسیدن عراقی ها (ص ۱۳)، اسارت راوی و همراهان در روز ۲۰ مهرماه ۵۹ (ص ۱۳)

#### ب) روحیه و ویژگی های فردی و اعتقادی راوی:

- تکلیف الهی دانستن رفتن به جبهه و رد درخواست بستگان مبنی بر نرفتن به جبهه های جنگ (ص ۵).  
- راوی از نیروهای بسیجی و انقلابی است که برای انجام تکلیف الهی در ابتدای جنگ به خرمشهر - علی رغم مخالفت و اصرار بستگان - می رود:

«... دایی با گریه به دست وپایم افتاده بود و می گفت: «ازت خواهش می کنم نرو، صبر اوامده. اونجا جنگه، فکر نکن شوخی برداره... ممکنه بمیری، مفقود بشی.»... گفتم: دایی این حرف ها رو نزن. من باید برم. آگه من نرم پس کی بره؟» ص ۶

استفاده زیاد از واژه های برادر، پاسدار، شهادت، خواهر، بسیجی، تکلیف الهی، صبر و... بیانگر روحیات و افکار انقلابی و مذهبی راوی است.

- علاقه و وابستگی شدید به مادر بزرگ که به تازگی فوت کرده بود (ص ۵)، یادآوری خاطرات قبل از اسارت (ص ۶۹)،

- «ساعت هشت و نیم بود که با یکی از برادرها جلوی خانه صحبت می کردیم. یادم نیست چه مسأله ای پیش آمد که ما به داخل خانه رفتیم. یک دقیقه طول نکشید که درست همان مکان که ما ایستاده بودیم، خمپاره ای افتاد... به آن برادر گفتم: آنجایی که باید خون ریخته شود، ریخته می شود؛ پس ما نباید نگران زندگی و حیات خود باشیم. وقتی خدا خواست، ما را می برد. پس ما باید به تکلیف عمل کنیم.» ص ۱۱

- مهم ترین نگرانی راوی هنگام اسارت، حفظ عفت و ناموس است:

«... فقط به این فکر می کردم که چه اتفاقاتی برایم خواهد افتاد و به اینکه اگر بمیرم، هیچ اشکالی ندارد. فقط از خدا می خواستم ناموس مرا حفظ کند. این تنها فکری بود که نگرانم می کرد...» ص ۱۷

- راوی حتی در اسارت نیز به فکر انقلاب و صدور آن است:

«... آن دو سرباز رفتند و سرباز دیگری آمد. باحالتی خاص به من نگاه می کرد و برایش سؤال بود که من می خواهم چه کار کنم؟ دیدم بهترین موقعیت است برای صدور انقلاب. گفتم: خدایا کمک کن که بتوانم عاملی باشم برای این کار...» ص ۱۸

عبادات دینی را حتی در سخت ترین شرایط انجام می داد: «گفتم: چشم هایم را باز کنید. می خواهم ببینم ساعت چند است. گفتند: ظهر است. گفتم: می خواهم نماز بخوانم.» ص ۱۸

وی اجازه نمی دهد که سربازان عراقی به او دست بزنند: «... سرباز عراقی می خواست دستم را بگیرد. گفتم یا لباسم را بگیر یا گوشه مقنعه ام را. آن ها از برخوردهای ما ناراحت می شدند و می گفتند: مگر ما نجس هستیم؟ برایشان توضیح می دادم که شما نامحرم هستید.» ص ۴۳

- پذیرفتن مشیت الهی در اسارت (ص ۲۳)، دعا و نذر کردن راوی برای مصون ماندن از تجاوز دشمن (ص ۳۱)، برطرف شدن نگرانی راوی از مسائل ناموسی پس از دیدن خوابی که در آن امام زمان (عج) به وی اطمینان خاطر می‌دهد که مسأله‌ای پیش نخواهد آمد. (ص ۳۱)، در اسارت هم برای امام حسین (ع) عزاداری می‌کردیم (ص ۴۷)

- خانواده راوی بسیار مذهبی‌اند: «برادرم بعد از هشت ماه که از جبهه برای مرخصی به خانه می‌آید، خبر شهادت مرا که می‌شنود، می‌رود دستشویی و گریه می‌کند. وقتی مادرم از او می‌پرسد که چرا گریه می‌کنی؟ جواب می‌دهد برای او گریه نمی‌کنم، بلکه برای خودم گریه می‌کنم که چرا او از من سبقت گرفت... یک چنین روحیه‌ای در خانواده ما حاکم بود.» ص ۵۹

- نگرانی راوی از تجاوز عراقی‌ها (ص ۱۷)، تقاضای راوی از عراقی‌ها برای اجازه نماز خواندن (ص ۱۸)، تلاش راوی برای امر به معروف عراقی‌ها و صدور انقلاب (ص ۱۹)، عزاداری و سینه‌زنی راوی و هم‌سلولی‌ها در ماه محرم (ص ۴۷)، تهدید و ارباب و قطع غذا توسط نگهبانان برای جلوگیری از عزاداری و بی‌توجهی اسرا به منع نگهبان‌ها (ص ۴۷)، کمبود امکانات بهداشتی، پوشاک و... (ص ۵۰)، دعوت به مصاحبه رادیویی و پذیرفتن راوی (ص ۹۱)، شقاوت و ستمگری رژیم بعث عراق تا جایی است که حتی زن‌های حامله نیز در زندان الرشید زندانی بودند، از طریق برقراری ارتباط با اسرای دیگر در زندان الرشید بغداد، با قوانین صلیب سرخ آشنا شدیم (ص ۵۸)، درخواست انتقال به اردوگاه از مسئولان عراقی که با بی‌توجهی آن‌ها مواجه شدند.

ج) مهم‌ترین وقایع دوران اسارت:

انتقال دو اسیر زن به نام‌های «معصومه آبادی» و «مریم بهرامی» به سلول راوی (ص ۳۰)، ناراحتی راوی از اسارت آن دو نفر (ص ۳۰)، اسارت خانم دیگری به نام «حلیمه آزموده» و انتقال او به سلول راوی. (ص ۳۲)، آگاهی از آزادی‌های نسبی اردوگاه‌ها از طریق سایر اسرا، درخواست انتقال به اردوگاه و مخالفت عراقی‌ها.

- راوی و سه اسیر زن ایرانی دیگر برای رسیدن به هدفشان اعتصاب کردند، این اعتصاب هجده روز طول کشید:

«... روز هجدهم، حصونی (نگهبان عراقی) آمد. گفت: وسایلتان را جمع کنید... که به بیمارستان منتقل می‌شوید و صلیب سرخ به بیمارستان می‌آید...» ص ۹۲

- پس از ۱۹ ماه برای خانواده نامه می‌نویسد (ص ۹۲)،

- اسرای کم سن و سال در اردوگاه بودند: «اسرای این اردوگاه (الانبار) خیلی کم سن بودند. خودشان می‌گفتند: در زمان اسارت ده یا دوازده سال بیشتر نداشته‌اند...» ص ۱۰۲

- عراقی‌ها از آگاه شدن خبرنگاران خارجی از وجود زنان در اردوگاه جلوگیری می‌کردند (ص ۱۱۲)، وجود موش و حشرات موذی در سلول زندان (ص ۵۴)، اهدای قرآن از طرف صلیب سرخ (ص ۹۰)، بازجویی عراقی‌ها از راوی و همراهان (ص ۱۴)، رفت‌وآمد زیاد افسران عراقی به محل اسارت راوی و ترس شدید راوی (ص ۱۶)، وضعیت نامناسب تغذیه که باعث کم‌خونی راوی شده بود (ص ۱۲۵)، شهید تندگویان در سلول شمار ۵۰ زندان بغداد بود (ص ۵۶)، تبادل اسرا در ترکیه با حضور نماینده صلیب سرخ و پلیس ترکیه (ص ۱۳۷)، توضیح کارها و رفتارهای صلیب سرخ و نامه نوشتن به خانواده (ص ۸۸)، آزادی راوی در بهمن‌ماه ۱۳۶۲ (ص ۱۳۵).

- برخورد سرد ایران با اسرای تازه وارد که راوی و سایر اسرا از این برخورد ناراحت شدند: «... اما آنچه تأسف بار بود، برخورد ایرانی‌ها با ما بود. وقتی جنگ تمام شد و اسرا مبادله شدند، دیدیم که همان‌طور که حقشان بود، تحویلشان گرفتند. اما آن زمان چنین جوی حاکم نبود، برخوردها صمیمانه که نبود هیچ، بلکه فکر می‌کردیم باید کار خلافی انجام داده باشیم...» ص ۱۳۷

(د) برخورد و رفتار عراقی‌ها:

- عراقی‌ها هنگام اسارت راوی هلله و شادی راه انداخته بودند (ص ۱۶)، عراقی‌ها انواع شکنجه‌های روحی و روانی را بر روی اسیران انجام می‌دادند (ص ۴۸)، بی‌توجهی عراقی‌ها به خواسته اسرا (ص ۷۲)، به نگهبان اطلاع دادند که اگر تا چهار روز دیگر ما را به اردوگاه منتقل نکنید، اعتصاب خواهیم کرد (ص ۷۶)، بیان شروع اعتصاب با صدای بلند به تمام اسرا و نگهبانان زندان پس از روز چهارم (ص ۷۶)، جدا کردن راوی و هم‌سلولی‌ها به مدت چهار روز و ادامه اعتصاب (ص ۷۸)، وخیم شدن حال راوی و هم‌سلولی‌هایش (ص ۷۹)، اعتراض و شورش زنان زندانی که همراهان راوی به سلول آن‌ها

منتقل شده بودند (ص ۸۰)، پشیمان شدن عراقی‌ها و برگرداندن آن‌ها به سلول سابق (ص ۸۰)، ضعف شدید سرا و بی توجهی دشمن (ص ۸۱)

آمدن یکی از مقامات سازمان امنیت و ادعای او مبنی بر اطلاع نداشتن از وجود آن‌ها و قول فرستادن آن‌ها به اردوگاه (ص ۸۲)، ادامه اعتصاب (ص ۸۳)، انتقال اسرا به وزارت دفاع و پس دادن وسایل اسرا (ص ۸۴)، انتقال راوی و همراهان به بیمارستان و بستری کردن آن‌ها (ص ۸۶)، آمدن صلیب سرخ و صدور کارت اسارت برای آن‌ها (ص ۸۷).

### بررسی و تحلیل سطح فکری و درونمایه کتاب «رمل‌های تشنه»

«رمل‌های تشنه» خاطرات جعفر ربیعی است که در دفتر ادبیات و هنر مقاومت تدوین شده است و در سال ۱۳۶۷ چاپ اول آن و در سال ۱۳۶۹ چاپ دوم آن در انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتشر گردید. تعداد صفحات کتاب ۹۳ صفحه در قطع وزیری است.

#### خلاصه‌ای از خاطره نگاشته:

اثر با توصیف شرایط و اوضاع شب عملیات آغاز می‌شود. راوی تخریبچی گردان است. در حین خنثی کردن مین، یکی از مین‌ها منفجر می‌شود و راوی مجروح روی زمین می‌افتد. بقیه نیروها برای ادامه عملیات از کنارش می‌گذرند و به او قول می‌دهند، پس از انجام عملیات، وی را به عقب برگردانند؛ ولی عملیات شکست می‌خورد و نمی‌توانند او را به عقب برگردانند. راوی مدت پنج شبانه‌روز تشنه و مجروح در میدان مین، نزدیک عراقی‌ها زنده می‌ماند. پس از پنج روز، سربازان عراقی به طور اتفاقی او را پیدا می‌کنند و به بیمارستان منتقل می‌کنند. در بیمارستان روی بدن او عمل جراحی انجام می‌شود و انگشتان دست و پای خود را از دست می‌دهد. پس از آن به اردوگاه منتقل می‌شود. این کتاب به شرح رفتار خشن، آزار و اذیت و بی‌رحمی عراقی‌ها با اسرا، چگونگی تعامل اسرا با آن‌ها و اتفاقاتی که در اسارت برای او رخ داده است، می‌پردازد. راوی پس از ۲۹ ماه اسارت، در خردادماه ۱۳۶۴ - به دلیل جانباز بودن - آزاد می‌شود و به وطن باز می‌گردد.

#### بررسی سطح فکری و درونمایه اثر

الف) روحیه و ویژگی‌های فردی و اعتقادی راوی:

اثر بیشتر برونگرا و عینی است و به محیط و رویدادهای اطراف توجه دارد؛ البته گاه تا حد امکان به درون و عمق پدیده‌ها نیز اشاره دارد و علل اتفاقاتی را که روی می‌دهد تا حد امکان ذکر می‌کند:

«لحظاتی بعد انفجار شدیدی همه را مبهوت کرد. در یک لحظه تعدادی از بچه‌ها بر اثر انفجار مین گوشت‌کوبی در خون غلتیدند. کسی با صدای بلند شهادتین می‌گفت، دیگری به پیشگاه اباعبدالله<sup>(ع)</sup> عرض ادب می‌کرد... ص ۱۰

«به علت اشتباهی که توسط راهنما صورت گرفته بود، ما از عرض وارد میدان مین شده بودیم، به همین دلیل مجبور بودیم مین‌های زیادی را ختنی کنیم.» ص ۱۱

«دشمن متوجه پراکندگی نفرات یگان‌ها و عدم فرماندهی صحیح و همچنین خستگی مفرط نیروها شده بود و لحظه‌ای مهلت نمی‌داد و با سلاح‌های مختلف، من جمله دوشکا همه‌جا را زیر آتش داشت.» ص ۱۴

«یکی از دلایل سردرگمی و حیرت همه، مجروح شدن محمد راحت یکی از بچه‌های اطلاعات - عملیات بود. لحظاتی بعد از انفجار مین بر اثر شدت جراحات، محمد به شهادت رسید. او مسئول راهنمایی گردان‌ها تا رسیدن به مواضع دشمن بود.» ص ۱۲

«حدود ده دقیقه‌ای از مجروح شدنم می‌گذشت. با این حال هیچ امدادگری برای بستن زخم‌ها به سراغم نیامد و این ناشی از شوک روحی عارض بر بچه‌ها بود (شهید شدن محمد راحت).» ص ۱۲

بنابراین راوی، دلایل شکست عملیات، عقب‌نشینی نیروهای خودی و تلفات زیاد را بیان کرده است.

ص ۱۳

- راوی پس از پنج روز که مجروح و تشنه بود، به اسارت دشمن درآمد. ص ۲۰

- «مونس تنهایی‌های من در آن لحظات یاد خدا و ائمه اطهار<sup>(ع)</sup> بود که آرامش را در من حلول می‌داد؛

«الَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»...» ص ۱۹

ب) برخورد اسرا با دشمن:

- ورود هیات سازمان ملل به اردوگاه. (ص ۹۰)، تصمیم اسرا نسبت به افشای حقایق. (ص ۹۰)، نشان دادن آثار شکنجه عراقی‌ها بر روی بدن اسرا به هیئت سازمان ملل. (ص ۹۲)

ج) وقایع دوران اسارت:

- راوی در بیمارستان العماره عمل جراحی می‌شود و انگشتان دست و پای خود را از دست می‌دهد (ص ۲۷)، کنترل نگهبانان عراقی در ماه محرم افزایش می‌یافت (ص ۵۹)، عراق با آوردن خبرنگاران و فیلم‌برداران به اردوگاه، سعی در بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی داشت (ص ۶۴)، اسرا از تهیه گزارش خبرنگاران جلوگیری کردند که باعث درگیری با عراقی‌ها، تیراندازی آن‌ها و مجروح شدن چند اسیر شد (ص ۶۴)، در بهمن سال ۶۲ تعداد ۱۹۰ نفر از اسرا مبادله شدند (ص ۶۹)، تصمیم سازمان ملل برای بازدید از وضعیت اسرای ایران و عراق که در تاریخ معینی انجام شد (ص ۸۹)، ورود هیات سازمان ملل به اردوگاه (ص ۹۰)، آزادی قلم و کاغذ بعد از رفتن هیات سازمان ملل. (ص ۹۲)، پس از بازدید، سازمان ملل، عراق را متهم به شکنجه اسرا و ایران را متهم به انجام فعالیت‌های تبلیغاتی بر روی اسرا کرد (ص ۹۲)، صلیب سرخ، خبر مبادله ۱۲۰ نفر از اسرا را اعلام کرد (ص ۹۲)، راوی در خرداد ۱۳۶۴ همراه با ۱۱۹ نفر دیگر آزاد شد (ص ۹۳).

از ویژگی‌های این اثر این است که نیروهای خودی را کاملاً خوب و سفید، و دشمن را کاملاً سیاه شخصیت‌پردازی کرده است. بیشتر از شخصیت‌پردازی مستقیم استفاده کرده است و جالب اینکه هیچ نقطه روشنی در شخصیت دشمن ندیده است. درحالی‌که عراقی‌ها با تمام سنگدلی، جان او را پس از پنج روز مجروحیت نجات می‌دهند و در بیمارستان به مداوای او می‌پردازند، در صورتی می‌توانستند وحشیانه و به طرز فجیعی او را شهید کنند. البته نویسنده ناخودآگاه با توصیف رفتارهای دشمن، به نوعی رفتار بعضاً انسانی آن‌ها را نیز بیان می‌کند.

(د) برخورد و رفتار عراقی‌ها:

- عراقی‌ها از شنیدن نام لشکر محمد رسول‌الله (ص) متعجب شدند:

«... گفتم عضو لشکر محمد رسول‌الله (ص) هستم. از این اسم خیلی تعجب کرده بودند، احساس کردم با توجه به تبلیغاتی که علیه ما صورت گرفته، شنیدن این نام برایشان خیلی تازگی دارد.» ص ۲۲

- ددمنشی نیروهای بعثی این‌گونه بیان می‌شود:

«پانسمانچی (عراقی) هر چند اسلحه نداشت تا قلب بچه‌ها را نشانه بگیرد، اما با همان قیچی کوچک و قیافه عبوس و غضبناک خود همان کار را انجام می‌داد... (عراقی‌ها) اسرای ما را دست‌بسته به جوخه‌های اعدام می‌سپردند. آن‌ها را زنده به گور می‌کردند، در شهرهای ما بدترین جنایت‌ها را مرتکب

شده و اموال مردم را به غارت می بردند، طبعاً بویی از انسانیت نبرده بودند تا بخواهند مهمان نوازی کنند. می دانستیم که اینان از تبار هارون الرشیدها هستند که آن گونه با امام موسی کاظم (ع) رفتار کردند!...»  
ص ۳۴

«در محیطی قرار گرفته بودیم که باید هتک حرمت به مقدسات را از زبان دشمن تحمل می کردیم و غیظ و کینه خود را در وجودمان دفن می نمودیم. باید شب‌هایی را پشت سر می گذاشتیم که در آن برادرانمان از شب تا صبح از شدت گرسنگی خواب به چشمانشان نمی آمد.... باید دروغ‌گویی‌های مجامع بین‌المللی و خصوصاً صلیب سرخ جهانی را در رابطه با برخورد بشردوستانه عراقی‌ها با اسرای جنگی ایران تحمل می کردیم. باید آثار کابل‌های بافته شده به یکدیگر را بر روی بدن عزیزان خود می دیدیم و دم فرومی بستیم، باید جلو چشمانمان شاهد پریز شدن اندام نحیف مجروحانمان می بودیم...»  
ص ۴۸

«باید ساعاتی را پشت سر می گذاشتیم که با خواندن دو رکعت نماز از خدا بخواهیم که برادرانمان از زیر شکنجه دشمن جان سالم بدر برند.» ص ۴۸

- دو روزنامه رسمی عراق به نام‌های «الثوره» و «الجمهوریه» در اختیار هر آسایشگاه قرار می گرفت (ص ۴۹)، عراق برخی از افراد غیرنظامی داخل شهرها را اسیر کرده بود (ص ۵۴)، عراقی‌ها پس از هر حمله جدید ایران، اسرا را شکنجه می کردند. (ص ۵۱)، - عراقی‌ها یک نفر روانکاو را برای بررسی وضعیت روحی اسرا به مدت چهار ماه به اردوگاه آوردند که ساعات آزادباش درباره اسرا تحقیق می کرد. نتیجه آن، این بود: «من به این نتیجه رسیده‌ام که اسرای ایرانی سه کار را - آن‌هم با عشق ورزی - می توانند انجام دهند: ۱- جنگیدن؛ ۲- نماز خواندن؛ ۳- گریه کردن.» (ص ۸۳)، تبلیغات گسترده عراق بر ضد ایران مبنی بر بدرفتاری ایران با اسرای عراقی، تا جایی که مجامع بین‌المللی هم واکنش نشان دادند.  
ص ۸۸

#### سایر اقدامات عراقی‌ها:

- آوردن خبرنگار و فیلمبردار به اردوگاه‌ها برای بهره‌برداری تبلیغاتی (ص ۶۴)، شدت بخشیدن سخت‌گیری‌ها در روزهای اول اسفند ۶۲ به خاطر انجام عملیات جدید ایران (ص ۷۱)، هر شب تعدادی از اسرا را برای شکنجه به اتاق مخصوص شکنجه می بردند (ص ۷۴)، عراقی‌ها با شکنجه جو وحشت

در بین اسرا ایجاد کرده بودند. واحد سیار بخش فارسی رادیو بغداد را برای تهیه گزارش و فعالیت‌های تبلیغاتی به اردوگاه می‌آوردند. و با استفاده از ضدانقلاب و روحانی‌نماهایی مانند «علی تهرانی» اسرا را تشویق به مصاحبه و دست برداشتن از حمایت دولت جمهوری اسلامی می‌کردند. (ص ۷۶)، تهدید کردن اسرا برای گزارش ندادن وضعیت اردوگاه به سازمان ملل (ص ۸۹).

### بررسی و تحلیل سطح فکری و درونمایه کتاب «گداخته»

«گداخته» خاطرات دوران اسارت مهندس محمدعلی زردبانی است که به کوشش رضا بنده خدا در دفتر ادبیات و هنر مقاومت تدوین شده و در سال ۱۳۷۸ در انتشارات سوره به چاپ رسیده است. تعداد صفحات کتاب ۲۰۸ صفحه در قطع وزیری است.

#### خلاصه‌ای از کتاب:

مهندس محمدعلی زردبانی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه نفت، در پالایشگاه آبادان مشغول به کار شد. با شروع جنگ تحمیلی و سقوط خرمشهر، مسئول انتقال نقشه‌های پالایشگاه به تهران می‌شود و همراه بیست و پنج نفر دیگر- با وجود آتش سنگین دشمن- موفق به انتقال آن‌ها به تهران می‌شوند. در روز هشتم آبان ماه ۱۳۵۹، هنگامی که قصد حرکت به سمت ماهشهر داشت، همراه گروهی از مردم محلی به اسارت دشمن درمی‌آید. راوی پس از اسارت، به پادگان تنومه و سپس به بصره منتقل می‌شود و پس از بازجویی‌های سخت و طولانی، به زندان مخابرات بغداد منتقل می‌شود. سخت‌ترین دوران اسارت وی در این زندان بوده است. پس از تحمل دو سال به اردوگاه الانبار منتقل می‌شود. شرایط اردوگاه بهتر از زندان مخابرات بوده است. راوی به زبان انگلیسی تسلط کامل دارد و هنگام آمدن هیأت صلیب سرخ یا خبرنگاران خارجی به اردوگاه، نقش مترجم را به عهده می‌گیرد. پس از حمله عراق به کویت و پذیرش خواسته‌های ایران از سوی عراق، خبر آزادی اسرا را از رادیوی عراق می‌شنود. سرانجام پس از تحمل ده سال اسارت در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۳۰ آزاد می‌شود و به وطن بازمی‌گردد. اثر به شرح حوادث و رویدادهای روزهای نخست جنگ، رفتار خشن عراقی‌ها، شکنجه‌ها و روحیات آن‌ها، تعامل اسرا با یکدیگر، برخورد آن‌ها با عراقی‌ها و... می‌پردازد.

#### سطح فکری و درونمایه اثر

- کتاب، اثری برونگراست و بیشتر به محیط بیرونی توجه دارد. ولی شرح دوران سلول انفرادی، اثر را به جنبه درون‌گرایانه و ذهنی سوق می‌دهد.

الف) روحیه و ویژگی‌های فردی و اعتقادی راوی:

- راوی فردی تحصیل‌کرده، مهندس نفت پالایشگاه آبادان مسلط به زبان انگلیسی (ص ۱۱)، سرپرست گروه انتقال نقشه‌های پالایشگاه آبادان به تهران (ص ۱۲)، و دارای روحیه‌ای قوی و شجاعتی در خور است تا جایی که در ابتدای اسارت به افرادی که روحیه خود را باخته بودند، دل‌داری و قوت قلب می‌دهد. همچنین در دفاع از یکی از نیروهای ژاندارمری - که شبیه بچه‌های سپاه بود و عراقی‌ها می‌خواستند او را بکشند - توانست عراقی‌ها را متقاعد کند که او سپاهی نیست و از اعدام رهایی بخشید. ص ۱۸

- مقایسه انبوه ادوات زرهی، ماشین‌آلات راه‌سازی و... ارتش عراق در مقابل نداشتن آمادگی رزمی ایران، حسرت و تأسف راوی از چپاول گسترده اموال مردم در شهر خرمشهر نیز از نکات قابل‌ذکر است. ص ۲۰

- راوی به فکر فرار نیز هست؛ ولی هنگامی که یکی از اسرا ناگهان اقدام به فرار می‌کند، نقشه او و چند نفر از دوستانش، به هم می‌خورد. ص ۲۹

- راوی فردی دقیق است و به تمام جزئیات محیط‌هایی که به آنجا وارد می‌شود، توجه دارد. برای مثال نوع آسانسورها و کشور سازنده آن‌ها، نوع کاشی‌ها، تعداد اتاق‌ها و ... را در زندان مخابرات با جزئیات آن ذکر می‌کند. ص ۳۷

- در سلول انفرادی «تنهایی» بیشترین و بدترین شکنجه روحی و روانی راوی است (ص ۶۰)، راوی گرسنگی را خلاصه دو سال اسارت در زندان مخابرات می‌داند (ص ۷۷)، راوی به زبان انگلیسی تسلط داشت و نقش مترجم را به عهده گرفت و خواسته‌های اسرا را برای صلیب سرخ ترجمه می‌کرد (ص ۱۱۷)، صدور کارت اسارت برای راوی. (ص ۱۱۷).

ب) وقایع دوران اسارت:

- پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران. (ص ۲۰۲)، توصیف عکس‌العمل اسرا هنگام پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸. (ص ۲۰۳)، تشرف به زیارت عتبات عالیات. (ص ۲۰۴)، توصیف لحظات زیارت (ص ۲۰۴).

ج) رفتار و برخورد دشمن:

- ددمنشی و ناجوانمردی دشمن را این گونه بیان می کند: «در زندان مخابرات بغداد، از شدت سختی شرایط و شکنجه، برای مدتی دست هایم از کار افتاد. دست ها، میچ ها و زانوانم باد کردند و امکان هر حرکتی را از من گرفتند... چندان ضعیف و ناتوان شدم که حتی قدرت نگه داشتن بشقابی را نداشتم. حتی حمام بردن من هم به گردن فریدون و ابراهیم (دوستان راوی) افتاده بود... لباس هایم را می شستند و خشکم می کردند. قیافه ام رنگ پریده و سفید، بدن لاغر اندام و زرد شده بود. این وضعیت بر اثر کافی نبودن غذا - نه تنها از نظر حجم که از نظر کالری و ویتامین نیز کم بود-، شکنجه سخت و شدید، نبود نور کافی در سلول، شکنجه های روحی و روانی عراقی ها و... ایجاد شده بود. همچنین به مدت دو سال از دیدن خورشید و هواخوری محروم بودم.» ص ۸۸.

د) عمده مسائلی که در کتاب یادآوری شده:

- ذکر افراد مختلف اسیر در زندان مخابرات مانند زن های حامله، زن هایی با کودکان شیرخوار، پیرمرد ها و پیرزن های شصت و هفتاد ساله، پسر بچه و دختر بچه های یازده تا شانزده ساله و... (ص ۸۹)، همکاری و همیاری اسرا در شرایط سخت به یکدیگر (ص ۱۰۱)، راه اندازی صندوق بیت المال برای کمک به بیماران و انجام کار های عمومی (ص ۱۰۱)، آوردن هر روزه روزنامه انگلیسی و عربی به آسایشگاه ها (ص ۱۱۲)، معرفی صلیب سرخ جهانی و ناتوانی آن ها در جلوگیری یا کاهش آزار و اذیت و شکنجه عراقی ها (ص ۱۲۳)، وجود اسیران کم سن و سال دوازده، سیزده تا پانزده ساله در اردوگاه ها (ص ۱۱۶)، برگزاری کلاس های آموزشی مانند زبان انگلیسی، قرآن و... در اسارت (ص ۱۱۸)، برگزاری برنامه های جمعی، مانند فعالیت های مذهبی، جشن های عید نوروز و دهه فجر و ... (ص ۱۲۰)، انجام فعالیت های ورزشی مانند فوتبال، کشتی، پینگ پنگ، ورزش های رزمی و ... (ص ۱۲۵)

ه) سایر اقدامات عراقی ها:

- آوردن خبرنگاران و فیلم برداران ا برای مقاصد سیاسی و تبلیغاتی به اردوگاه ها (ص ۱۲۷)، شکنجه، آزار و اذیت، تهدید، تطمیع و جابجایی به منظور تحمیل مقاصد خود به اسرا (ص ۱۳۸)، انتخاب ارشدهای اردوگاه و آسایشگاه از طریق رأی گیری (ص ۱۴۵)، سانسور سختگیرانه نامه های اسرا (ص ۱۶۹)، آوردن تلویزیون به آسایشگاه ها به منظور بهره برداری سیاسی و تبلیغاتی (ص ۱۹۹). تفکیک اسیران نظامی و

غیرنظامی. (ص ۲۵)، بازجویی از راوی و سایر اسرا که همراه با شکنجه و خشونت بسیار بود. (ص ۳۳)، آوردن گروه‌های فیلم‌برداری و خبرنگاران به دفعات برای استفاده‌های سیاسی و تبلیغاتی. (ص ۱۲۷)، تبلیغ عراق درباره‌ی کم سن و سال بودن اسرای ایرانی و مقابله‌ی اسرا با آن‌ها به طرق مختلف (ص ۱۳۶)، هیچ امکانات و وسیله سرگرمی در آسایشگاه نبود، ورزش هم ممنوع بود (ص ۱۱۱)

و) اتفاقات دیگر:

- مشرف شدن به زیارت عتبات عالیات در اواخر دوران اسارت (ص ۲۰۶)
- پذیرش خواسته‌های ایران از سوی دولت عراق و آزادی اسرا پس از حمله عراق به کویت (ص ۲۰۷).

### یافته‌های تحقیق

با تحلیل داده‌های تاریخی مندرج در خاطرات آزادگان بررسی شده، وقایع و حقایق زیادی راجع به دوران اسارت رزمندگان و سربازان ایرانی در بند رژیم بعث آشکار می‌گردد که در نگارش تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس می‌تواند مؤثر باشد. به گونه‌ای که باید گفت اهمیت اصلی خاطره‌نگاشته‌های دوران اسارت در درونمایه و سطح فکری آن‌ها جهت نگارش تاریخ شفاهی است؛ راویان خاطرات نیز هدف از نوشتن خاطرات خود را بیشتر در درونمایه‌های آن‌ها می‌دانند و انگیزه اصلی آن‌ها بیان حقایق آن دوران بوده است. این پژوهش نشان می‌دهد خاطرات بررسی شده از نظر نوع نگارش و در برگیری حقایق تاریخی یکدست نیستند. به گونه‌ای که برخی ارزش اطلاعاتی و تاریخی بالایی دارد و برخی دیگر به علت کلی‌گویی، شرایط خاص دوران اسارت و ... ارزش تاریخی کمتری دارند. تمام آثار بررسی شده، آثاری برون‌گرا بوده‌اند و بیشتر به بیرون و سطح رویدادها توجه داشته‌اند، ولی در بخش‌هایی از خاطره‌نگاشته‌ها، این آثار حالت درون‌گرایانه می‌گیرند که بیشتر مربوط به دوران حبس در سلول انفرادی می‌شود. در این بخش‌ها حدیث نفس‌های راوی، ویژگی‌های ذهنی و درونی به این آثار بخشیده است.

در برخی از آثار به علل وقوع حوادث و رویدادها توجه شده است و به بررسی و تحلیل عمقی حوادث می‌پردازند، ولی برخی دیگر فقط به ذکر حوادث می‌پردازند و به طور سطحی از آن می‌گذرند. فایده مطالعه این خاطره‌نگاشته‌ها، آشنا شدن با زندگی اردوگاهی است. زندگی‌ای که محرومیت از همه چیز، اساس آن را تشکیل می‌دهد. ویژگی‌های شخصیتی راویان خاطرات، متفاوت است. برخی از

نویسندگان محافظه‌کار هستند، برخی شخصیتی فعال، جسور و بی‌باک دارند و بعضی دیگر شخصیتی منفعل. برخی نستوه و خستگی‌ناپذیر هستند و بعضی دیگر چنین نیستند. بعضی از اسرا کنجکاو و بسیار دقیق هستند و به تمام اتفاقات پیرامون خود توجه دارند، ولی برخی دیگر به بسیاری از حوادث توجهی ندارند. بنابراین نمی‌توان برای ویژگی‌های شخصیتی راوی در تمام آثار ویژگی‌های مشخص و معینی یافت و هر اثر با توجه به نویسنده آن از دیگری متمایز است.

- بیشتر راویان این آثار افرادی معتقد به دین اسلام، عاشق اهل‌بیت (ع)، متعهد به نظام جمهوری اسلامی و عاشق امام خمینی (ره) هستند.
- برخی از راویان این آثار در ابتدا، شناخت درستی از دین اسلام و انقلاب اسلامی نداشته‌اند، ولی در دوران اسارت به دلیل معاشرت با سایر اسرا و به خواست خود، افرادی مؤمن و معتقد شده‌اند (مانند راوی سال‌های تنهایی).
- غالباً اسارت را مانند جهاد تکلیف الهی می‌دانند.
- غیرت ملی و وطن‌دوستی از مهمترین درونمایه‌های آثار است.
- راضی به رضای حق بوده‌اند و اسارت را آزمایش الهی می‌دانستند و سعی می‌کردند با صبر و تحمل سختی‌ها و مشکلات و توکل به خدا، از آزمایش الهی سربلند بیرون بیایند.
- راویان و اسرایی که به زیارت ائمه در کربلا و نجف و سامرا مشرف شده‌اند، بهترین خاطره آن دوران را زیارت ائمه (ع) می‌دانند.
- رحلت امام خمینی (ره) و همکاری برخی از اسرا با عراقی‌ها، تلخ‌ترین رویدادهای دوران اسارت بوده است.
- برخی از راویان گرسنگی را خلاصه دوران اسارت در زندان‌ها و برخی اردوگاه‌ها می‌دانند (مانند راوی خاطره‌نگاشته گداخته).
- سلول انفرادی از نظر روحی و روانی تأثیر وحشتناکی بر روی اسرا داشت که حدیث نفس‌های اسرا مؤید این مطلب است (مانند مطالب خاطره‌نگاشته گداخته).
- تنفر خود از دشمن را به صورت‌های مختلف توصیف می‌کنند.
- برخی از راویان، رابطه صمیمی و عاطفی گرمی با خانواده خود دارند که در آثار خود نیز ذکر کرده‌اند. (مانند راوی خاطره‌نگاشته سال‌های تنهایی)

- در بخش بررسی سطح فکری و اعتقادی اسرا، آن‌چنان‌که از خاطره‌نگاشته‌ها به دست می‌آید، درمی‌یابیم که:
- قشرهای مختلفی از مردم در اسارت به سر می‌بردند؛ مهندس، پزشک، خلبان، افسر ارتش، سرباز و درجه‌دار، نیروهای سپاهی، بسیجی، زن و...
- سنین مختلفی هم داشتند؛ پیرزن و پیرمردهای شصت و هفتادساله، زن‌های حامله، زن‌های با کودکان شیرخوار، پسر بچه و دختر بچه‌های یازده تا شانزده، هفده سال و ... ؛
- اعتقادات متفاوت داشتند؛ برخی از افراد نماز می‌خواندند، برخی نمی‌خواندند. برخی به‌نظام جمهوری اسلامی معتقد و متعهد بودند و برخی مخالف آن بودند. برخی در برابر دشمن ایستادگی می‌کردند و برخی تسلیم و مطیع بودند ... ؛
- بنابراین به طور دقیق نمی‌توان قضاوت درستی از ویژگی‌های فکری و اعتقادی تمام اسرا داشت، اما از خاطره‌نگاشته‌های دوران اسارت نکات زیر درباره سطح فکری و اعتقادی اسرا به دست می‌آید:
- عموم اسرا مؤمن و متعهد به‌نظام جمهوری اسلامی بودند، هر چند افرادی هم بودند که حتی با عراقی‌ها مشروب می‌خوردند و قماربازی می‌کردند.
- به طرق مختلف قرآن و مفاتیح‌الجنان - که داشتن آن ممنوع بود- را به دست می‌آوردند یا از کسانی که حفظ بودند، می‌گرفتند.
- در سختی‌ها و مشکلات به همدیگر کمک می‌کردند که تأثیر زیادی در کم کردن و تحمل مشکلات داشت. برای مثال
- اگر کسی بیمار بود، سایر اسرا، کارهای شخصی او را انجام می‌دادند یا او را به حمام می‌بردند یا پس از شکنجه و آزار و اذیت عراقی‌ها، کسانی که در آسایشگاه بودند، به وضع و حال اسیر شکنجه‌شده رسیدگی می‌کردند و زخم‌های او را پانسمان می‌کردند و به او دل‌داری می‌دادند.
- در دوران اسارت کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند و کسانی که تخصص یا مهارتی داشتند، آن را در اختیار بقیه می‌گذاشتند. کلاس‌هایی مانند آموزش زبان انگلیسی یا آلمانی یا عربی، قرآن، نهج‌البلاغه، ورزش‌های رزمی و...
- وطن‌دوستی بین اسرا مشترک بود؛ زیرا همگی برای دفاع از کیان مملکت اسیر شده بودند.

- وجود افراد خودفروخته که برای عراق جاسوسی می‌کردند یا حتی سعی می‌کردند با هماهنگی و حمایت دولت عراق و اغفال و همکاری بقیه اسرا علیه نظام جمهوری اسلامی ایران کودتا کنند، از تلخ‌ترین وقایع دوران اسارت است.
- اسرایی وجود داشتند که تا آخر دوران اسارت به صلیب سرخ جهانی معرفی نشده بودند و ایران از وجود آن‌ها بی‌خبر بود؛ بنابراین شاید اسرایی وجود دارند که هیچ‌گاه آزاد نشدند. همچنان که برخی از اسرا، در دهه هفتاد آزاد شدند.
- صبر و پایداری در برابر مشکلات اسارت نیز از ویژگی‌های خاطره‌نگاشته‌هاست.
- محدودیت‌های زیادی برای اسرا وجود داشت که باعث به وجود آمدن ابتکاراتی در بین اسرا شد؛ مثلاً از پوست انار باتری ساختند یا با سرنگ، خودنویس ساختند و ...
- برقراری ارتباط ابتکاری اسرا با یکدیگر به شیوه مرس القایی در سلول‌های انفرادی؛ به این ترتیب که برای حرف «الف» یک ضربه، برای حرف «ب» دو ضربه، حرف «پ» سه ضربه و ... با سنگ به دیوار می‌زدند که بسیار وقت‌گیر و مشکل بود.
- اسرا از استقبال پرشور مردم متعجب شده بودند.
- اسرا در برخی موارد مانند تهیه گزارش خبرنگاران خارجی علیه ایران در برابر آنان و عراقی‌ها ایستادگی می‌کردند و با اعتصاب، شورش یا سکوت مانع تهیه گزارش آن‌ها می‌شدند تا جایی که در برخی موارد کار به درگیری و تیراندازی عراقی‌ها می‌کشید و برخی از اسرا مجروح و شهید می‌شدند.
- گاهی برای جلوگیری از تنبیه و شکنجه تعدادی از اسرا، تمام اسرا به روش‌های مختلف مانند شورش یا اعتصاب و مذاکره، سعی می‌کردند از شکنجه شدن آن‌ها جلوگیری کنند.
- در بازدید هیأت سازمان ملل با افشاگری شکنجه کردن عراقی‌ها، باعث محکومیت عراق شدند.
- مهم‌ترین ویژگی‌های دشمن که در خاطره‌نگاشته‌های اسارت ذکر شده است:
- شکنجه و آزار و اذیت وحشتناک اسرا تا جایی که همیشه آثار کابل‌های بافته‌شده به یکدیگر، بر روی بدن اسرا دیده می‌شد.
- بی‌توجهی به وضعیت غذایی اسرا تا جایی که بسیاری از اسرا از شب تا صبح از گرسنگی خواب به چشم‌شان نمی‌آمد.

- به مقدسات اسرا بی حرمتی و اهانت می کردند.
- بدترین جنایت‌ها و تجاوزها را در شهرهای اشغالی مرتکب شدند.
- غارت گستردهٔ اموال خرمشهر و سایر شهرها و مناطقی که به تصرف عراق درآمده بود.
- برخی از افراد غیرنظامی داخل شهرهای مرزی را اسیر کرده بودند.
- پس از هر حملهٔ جدید ایران رفتار عراقی‌ها با اسرا تغییر می کرد.
- بازجویی مکرر از اسرا برای رسیدن به اطلاعاتی که نیاز داشتند.
- تهدید، تطمیع و شکنجه‌های جسمی، روحی و روانی اسرا در بازجویی‌ها برای رسیدن به اهدافی که داشتند.
- تبلیغات گسترده‌ای با همکاری ضدانقلاب برای نفوذ فکری در اسرا داشتند.
- اقدامات امنیتی شدیدی برای کنترل اسرا انجام می دادند.
- هر روز، روزنامه‌های انگلیسی و عربی به برخی آسایشگاه‌ها می آوردند.
- از فعالیت‌های مذهبی و کارهای دسته جمعی اسرا جلوگیری می کردند.
- حمله عراق به کویت و تصرف آن کشور که در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی صورت گرفت.
- پذیرش تمام خواست‌های ایران از سوی دولت عراق که آزادی اسرا نیز از جمله آن‌ها بود.
- تبادل اسرا.

نکتهٔ مهم در این زمینه، این است که دشمن در بیشتر آثار بررسی شده کاملاً سیاه و یک طرفه بررسی شده است و ویژگی مثبت قابل ذکر دربارۀ دشمن ثبت نشده است. شخصیت پردازی دشمن در بیشتر آثار بررسی شده، مستقیم و آن هم به صورت کلمه‌ای است: دشمن جنایتکار، متجاوز، بی رحم و ... ولی (شخصیت پردازی دشمن) در قالب رفتار، گفتار، اسم، محیط و... (شخصیت پردازی غیرمستقیم) بیان نمی شود تا خواننده قرینهٔ درستی از این امر به دست آورد. در معدود شخصیت پردازی‌های غیرمستقیم - اگر بتوانیم اسم آن را شخصیت پردازی بگذاریم - به جزئیات به صورت دقیق اشاره‌ای نمی شود و خیلی خلاصه و بدون صمیمیت، رفتار و کارهای دشمن گزارش وار نقل می شود. این امر از ارزش کارها کاسته است؛ مانند خاطره نگاشته «رمل‌های تشنه» که نویسنده سعی کرده است از دشمن تصویری کاملاً منفی ارائه نماید، هر چند به طور کامل در این امر موفق نمی شود. برخی صاحب نظران یکی از دلایل این امر را به دلیل جو و شرایط زمان جنگ - مخصوصاً شرایط سیاسی و اجتماعی - می دانند. البته در

ددمنشی عراقی‌ها در زمان جنگ، کمترین تردیدی وجود ندارد، اما همیشه شخصیت انسان‌ها نسبی است و ویژگی‌های مثبت هم - هر چند ناچیز- در انسان‌ها وجود دارد. واقع‌بینی در خاطره‌نگاشته‌هایی که اسرای تحصیل‌کرده نوشته‌اند، بسیار برجسته‌تر است. برای مثال نگاشته‌های «سال‌های تنهایی» و «گداخته»، جزئی‌نگرانه‌تر و واقعی‌تر به اعمال و رفتار دشمن و سایر اسرا توجه شده است. شعارگویی کمتر به آن‌ها راه بسته است. دقت و توجه به محیط بیشتر بوده است. از خود نیز فکر و عمل مستقل دارند. ولی در برخی دیگر از خاطره‌نگاشته‌ها جنبه تبلیغاتی نمود بسیار آشکاری دارد. شعارگویی و سیاه‌نمایی اعمال و رفتارهای دشمن عمده‌ترین درونمایه‌های آنان است و اسرا هم همگی بسیار مؤمن و متعهد و نیکوکار و نیک پندار روایت می‌شوند و برای این کار هم مصداقی ذکر نمی‌شود و به‌طور کلی باید گفت شخصیت‌پردازی مناسبی ندارند؛ مانند خاطره‌نگاشته «چشم در چشم آنان» و «رمل‌های تشنه». البته تفوق شخصیت‌پردازی مستقیم در اغلب خاطره‌نگاشته‌های اسرا بر شخصیت‌پردازی غیرمستقیم کاملاً پیداست. دلیل اصلی این امر اوج سختی‌ها، شکنجه‌ها و مشقاتی است که اسرا از دشمن و شرایط سخت اسارت دیده‌اند و تحمل کرده‌اند. در این مورد باید گفت اسارت و ماهیت آن است که چنین مسائلی را - به‌ویژه از جانب کشوری خودم‌محور و متجاوز- ایجاب می‌کند.

نکته بعدی اینکه هر چه از زمان جنگ دورتر می‌شویم، خاطرات خاکستری‌تر می‌شوند و شخصیت‌پردازی‌ها غیرمستقیم‌تر؛ بدین معنی که به جنبه‌های مثبت و منفی دشمن و اسرا با هم نگریسته می‌شود نه اینکه دشمن را بر خلاف واقعیت - کاملاً سیاه و اسرا و نیروهای خودی را کاملاً سفید توصیف کرده باشند. علی‌گرایی و دلیل‌آوری - مستقیم و غیرمستقیم - هم هر چه از زمان جنگ دورتر می‌شویم، به نسبت آشکارتر و بیشتر می‌شود. شایان ذکر است اسرایی که اقدام به نشر خاطرات خود کرده‌اند، همگی متعهد به نظام جمهوری اسلامی هستند و ما اثری از اسرای مخالف و یا غیر موافق با نظام جمهوری اسلامی در دست نداریم و در این پژوهش بررسی نشده است و جزء جامعه نمونه تحقیق نبوده است؛ از این رو ویژگی‌های اعتقادی و فکری یادشده تقریباً عمومی و قابل تعمیم است.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که خاطرات دوران جنگ تحمیلی از مهمترین اسناد و منابع تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس محسوب می‌گردد که مهمترین کارکرد این خاطرات نیز درونمایه و سطح فکری آن‌ها جهت آگاه شده از زوایای تاریک تاریخ آن دوران می‌باشد. این خاطرات از عمده‌ترین اسناد و

منابع تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی محسوب می‌گردند. در این آثار بسیاری از حقایق دیده می‌شود که هرگز در دیگر منابع و آثار تاریخی نوشته‌شده، وجود ندارد. برخی از موارد و مطالب بیان‌شده در این خاطرات، قابلیت استفاده در شرایط مشابه برای خوانندگان دارد که نوعی مستندسازی علم و تجربیات آزادگان جنگ تحمیلی به حساب می‌آید که گاه می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های کلان نیروهای مسلح (ستاد کل نیروهای مسلح) استفاده شود. غریکدست بودن خاطرات از لحاظ تاریخ شفاهی که از نتایج این پژوهش است، به محققان گوشزد می‌نماید که قبل از تحلیل داده‌های تاریخی مربوط به دوران دفاع مقدس باید ارزش تاریخی و جزئی‌نگری و صحت مطالب مندرج در خاطرات را به‌صورت علمی بررسی نمود.

### پیشنهادهای

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده درباره موضوعات زیر تحقیق شود:

- ۱- تاریخ شفاهی جامعی از دوران جنگ تحمیلی بر اساس خاطرات رزمندگان و آزادگان عزیز به شیوه‌ای علمی و به‌صورت کارگروهی از متخصصان این حوزه نوشته شود.
- ۲- تحقیقی درباره آسیب‌شناسی خاطرات مربوط به دوره دفاع مقدس انجام شود.
- ۳- بر اساس مصاحبه با سیاستمداران و فرماندهان در قید حیات دفاع مقدس و با همکاری علمی آنان تاریخ شفاهی آن دوران با گرایش درس‌گیری در جنگ‌های پیش رو نوشته شود. این کار باید با همکاری جمعی متخصص و فرهیخته به سرانجام برسد.

### فهرست منابع

۱. آبرامز، لین (۱۳۹۷). نظریه تاریخ شفاهی، ترجمه علی فتحعلی آشتیانی، چاپ اول، تهران، سوره مهر.
۲. ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۶). نگاهی به خاطره‌نویسی و مقایسه آن با سفرنامه و زندگی‌نامه، مجله علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۸.
۳. ایروانی، محمدرضا (۱۳۹۰). بر سمند خاطره، تهران، نشر صریر، چاپ اول.
۴. برت، فراگنر (۱۳۷۷). خاطرات نویسی ایرانیان، ترجمه مجید جلیوند رضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۵. بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی (دوره سه‌جلدی)، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۶. تاج‌زاد، حسین (۱۳۷۵). آسمان فکه، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره.
۷. جوینی، محمد (۱۳۷۸). تاریخ جهانگشای جوینی، جلد دوم، به تصحیح محمد قزوینی، نقش قلم، چاپ دوم.
۸. جهان‌فر، رضا؛ کرمی، فهیمه (۱۳۹۶). گذر از طوفان حوادث؛ زندگی‌نامه و خاطرات امیر سرتیپ دوم آزاده جانباز حسین یاسینی (یاسین سجن)، چاپ اول، تهران، نشر آتشیار.
۹. خانیان، جمشید (۱۳۶۹). از زمینه تا درونمایه، چاپ اول، تهران، سوره مهر.
۱۰. ربیعی، جعفر (۱۳۶۹). رمل‌های تشنه، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره.
۱۱. زردبانی، محمدعلی (۱۳۷۸). گداخته، به کوشش رضا بنده خدا، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره.
۱۲. سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۵۷). روانشناسی شخصیت، چاپ چهارم، تهران، کتاب‌های سیمرغ.
۱۳. شروین، هوشنگ (۱۳۷۵). سال‌های تنهایی، به کوشش رضا بنده خدا، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره.
۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). کلیات سبک‌شناسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوس.
۱۵. عبادیان، محمود (۱۳۷۲). درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات، چاپ دوم، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۶. کمری، علیرضا (۱۳۸۳). با یاد خاطره، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۷. کمری، علیرضا (۱۳۸۱). یاد مانا، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره مهر.
۱۸. میرصادقی، جمال (۱۳۸۰). عناصر داستان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سخن.
۱۹. ناهیدی، فاطمه، (۱۳۷۵). چشم در چشم آنان، به کوشش مریم شانکی، چاپ اول، تهران، انتشارات سوره.
۲۰. حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۰). «جایگاه تاریخ شفاهی در تحقیقات تاریخی»، منتشرشده در فصلنامه اسناد بهارستان، سال اول، شماره اول، صص ۳۶۹ - ۳۸۰
۲۱. شوپس، لیندا، مقاله «تاریخ شفاهی چیست؟» برگرفته از مقاله «فهم معنای مدارک»، مترجم: علی فتحعلی آشتیانی، پایگاه اطلاع‌رسانی تاریخ شفاهی ایران، به نشانی:

<http://www.oral-history.ir/?page=post&id=2352>

